

## امکان‌سنجی و ارائه چارچوبی جهت به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط در ایران

علیرضا نصیری فروزی<sup>\*</sup>، ساسان مهرانی<sup>\*\*</sup>، محمد مرادی<sup>\*\*\*</sup>، علی رحمانی<sup>\*\*\*\*</sup>

### چکیده

در این مقاله به بررسی امکان‌سنجی به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در واحدهای کوچک و متوسط از نظر چهار بعد ذی‌نفعان، ملاحظه فزونی منافع و هزینه‌ها، دامنه شمولیت و استراتژی‌های به کارگیری استانداردها پرداخته شده است. در این تحقیق از روش پژوهش کیفی و برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل تم استفاده شده است. در این راستا با ۱۹ نفر از مدیران و شرکای موسسات حسابرسی و اعضای تدوین استاندارد سازمان حسابرسی که به روش گلوله برفی انتخاب شده‌اند، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام گردید. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ضرورت به کارگیری این استانداردها از منظر ذی‌نفعان و ملاحظه فزونی منافع و هزینه‌ها، قابل توجیه است. همچنین از منظر دامنه شمولیت، معیارهای کمی (شامل تعداد کارکنان، درآمد عملیاتی و دارایی‌ها) و یک معیار کیفی دیگر (جدا کردن واحدهای کوچک و متوسط زیرمجموعه شرکت‌های بورسی) علاوه بر معیار کیفی هیأت، در تعریف واحدهای کوچک و متوسط باید لحاظ گردد. در بخش استراتژی‌های به کارگیری نیز، استراتژی الزام و بومی سازی انتخاب شدند. همچنین یک رویکرد سه سطحی را می‌توان به عنوان چارچوبی جهت گزارشگری این واحدهای تجاری به کار گرفت.

### واژه‌های کلیدی: استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در واحدهای کوچک

و متوسط، استراتژی به کارگیری استانداردها، تعریف واحدهای کوچک و متوسط، ذی‌نفعان، ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌ها.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

نویسنده مسئول: ساسان مهرانی

smehrani@ut.ac.ir

\*دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\*دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\*\*استادیار حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\*\*\*\*استاد حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

## مقدمه

در سال‌های اخیر اهمیت و نقش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای صنعتی و در حال توسعه رو به افزایش بوده است. امروزه در بیشتر کشورهای جهان، صنایع کوچک و متوسط از جنبه‌های مختلف اجتماعی، تولید صنعتی و ارائه خدمات در حال نقش آفرینی بوده و تأمین کنندگان اصلی اشتغال جدید، مهد تحول و نوآوری و پیشرو در ابداع فناوری‌های جدید هستند (کایا و کوچ، ۲۰۱۵).

در ایران نیز بر اساس گزارش منتشر شده مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مرداد ۱۳۹۴، سهم واحدهای تجاری کوچک و متوسط از کل بنگاه‌های موجود در کشور، حدود ۸۵ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده نقش با اهمیت این بنگاه‌ها در اقتصاد است. در گزارش مذکور که به بررسی مشکلات تأمین مالی این بنگاه‌ها پرداخته شده، مشکلات عدیده‌ای ذکر شده است. این گزارش اصلی‌ترین مانع در ادامه حیات بنگاه‌های کوچک و متوسط را مشکل تأمین مالی می‌داند. عدم شفافیت اطلاعات مالی و افزایش ریسک اعتباری این بنگاه‌ها، تمایل بانک‌ها و موسسات مالی را در تأمین منابع مالی آن‌ها کاهش داده است. بنابراین کیفیت صورت‌های مالی و افشائات مربوط به آن می‌تواند نقش مهمی در کاهش این عدم شفافیت داشته باشد.

در حال حاضر، اکثر نهادهای حرفه‌ای ملی و بین‌المللی از طراحی روش و مدل گزارشگری متفاوت برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط حمایت می‌کنند، زیرا نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای رفع نیازهای اطلاعاتی واحدهای تجاری بزرگ تدوین شده‌اند و قابلیت برآورده ساختن نیازهای استفاده‌کنندگان در واحدهای تجاری کوچک و متوسط را ندارند. بنابراین، ارائه رهنمودهای لازم برای تدوین گزارشگری مالی این واحدها، از اهمیت بسیاری برخوردار است و اکثر کشورهای جهان دارای رهنمودهای خاص برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط هستند (برزگر، ۱۳۸۹).

از این رو، هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری کوشیده است با تهیه و تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، ساز و کارهای لازم برای افزایش پذیرش و تسهیل به کارگیری این استانداردها در این بنگاه‌ها فراهم سازد (رحیمیان، ۱۳۹۱). این نهاد در ژوئیه ۲۰۰۹ میلادی استانداردهای

بین‌المللی گزارشگری مالی در واحدهای کوچک و متوسط<sup>۲</sup> را در ۳۵ بخش منتشر کرد. جدیدترین نسخه اصلاحی آن، در سال ۲۰۱۵ منتشر شده که هم‌اکنون در سایت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی موجود است.

در ایران، استانداردهای جداگانه‌ای برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود ندارد و با توجه به نقش با اهمیت این واحدهای تجاری در اقتصاد و امکانات و محدودیت‌های آن‌ها در به‌کارگیری استانداردهای حسابداری واحدهای تجاری بزرگ، ضروری است سازمان حسابرسی استانداردهای جداگانه‌ای را برای این واحدهای تجاری تدوین کند. با توجه به رویکرد سازمان حسابرسی مبنی بر هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی، در صورتی که سازمان بخواهد برای واحدهای کوچک و متوسط نیز از نسخه بین‌المللی استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط استفاده کند، لازم است ابتدا ابعاد مختلف این استانداردها را مورد بررسی قرار دهد و در مواردی که لازم است، بر اساس شرایط این واحدهای تجاری در ایران تعدیلاتی را اعمال کند. این پژوهش سعی دارد به بررسی امکان‌سنجی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط بر اساس موارد زیر پردازد:

۱. ذی‌نفعان و موارد استفاده از اطلاعات واحدهای کوچک و متوسط. نخست در این پژوهش به بررسی ذی‌نفعان این واحدهای تجاری و استفاده‌هایی که از اطلاعات آن‌ها در تصمیمات اقتصادی خود می‌کنند، پرداخته می‌شود. سپس با شناخت حاصل از این فرآیند، به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا این مجموعه از استانداردها می‌توانند در رفع نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان اثرگذار باشد یا خیر.
۲. منافع و هزینه‌های به‌کارگیری این مجموعه از استانداردها. ابتدا به بررسی منافع و هزینه‌های به‌کارگیری استانداردهای مذکور پرداخته شده و سپس این موضوع بررسی می‌گردد که آیا منافع به‌کارگیری این استانداردها بر هزینه‌های آن فزونی دارد یا خیر.
۳. سایر عواملی که به‌کارگیری این مجموعه از استانداردها را توجیه یا رد می‌کند.
۴. بررسی دامنه شمولیت این استانداردها. در این قسمت به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا معیارهای کیفی هیأت استانداردهای بین‌المللی در تعریف واحدهای کوچک و متوسط کافی بوده یا باید از معیارهای کمی نیز استفاده کرد و تعدیلاتی را در دامنه شمولیت این استانداردها اعمال کرد.

۵. استراتژی‌های به کارگیری این استانداردها. استراتژی‌های متفاوتی را می‌توان در به کارگیری این استانداردها بکار گرفت. یکی از این استراتژی‌ها بومی‌سازی یا عدم تعدیل استانداردهای بین‌المللی است. به این معنا که آیا باید برخی الزامات شناخت و اندازه‌گیری استانداردهای بین‌المللی را بر اساس شرایط واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران تعدیل کرد یا خیر.

در ایران غیر از برخی پژوهش‌های مروری انجام شده که صرفاً به معرفی این استانداردها پرداخته‌اند (رحیمیان و اسکندری، ۱۳۹۱؛ قنبریان، ۱۳۹۱ و برزگر، ۱۳۸۹)، پژوهش‌های تجربی کمی در ارتباط با ضرورت به کارگیری این استانداردها انجام شده است. در برخی از پژوهش‌های مذکور ضرورت به کارگیری استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای واحدهای کوچک و متوسط بر اساس اثر این استانداردها بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی و شاخص‌های عملکردی، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در برخی دیگر، به بررسی ضرورت تدوین استانداردهای مجزا برای واحدهای کوچک و متوسط از دیدگاه ذی‌نفعان این واحدهای تجاری پرداخته شده است. در یک پژوهش نیز ضرورت به کارگیری این استانداردها از منظر ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. نوآوری این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌های صورت گرفته به شرح زیر است:

۱. بررسی امکان‌سنجی به کارگیری این مجموعه از استانداردها هم از نظر کلیه ذی‌نفعان و هم از نظر سایر عوامل از جمله ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌ها (به عبارت دیگر امکان‌سنجی به کارگیری این استانداردها به صورت جامع و با در نظر گرفتن کلیه عوامل مربوط مورد بررسی قرار گرفته است).
۲. در هیچ کدام از پژوهش‌های داخلی، منافع و هزینه‌های به کارگیری این استانداردها به صورت مشخص و دقیق تعیین نشده است. در این پژوهش ابتدا فهرستی از منافع و هزینه‌ها ارائه و سپس با توجه به موارد شناسایی شده به بررسی ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌های به کارگیری این استانداردها پرداخته شده است.
۳. در این پژوهش دامنه شمولیت استانداردهای بین‌المللی واحدهای کوچک و متوسط مورد بررسی قرار گرفته و تعریف جدیدی از واحدهای کوچک و متوسط ارائه شده است.
۴. استراتژی‌های به کارگیری این استانداردها، بررسی محتوایی استانداردهای واحدهای

کوچک و متوسط و شناسایی موارد نیازمند بومی‌سازی، تاکنون در هیچ پژوهش داخلی انجام نشده است.

این پژوهش سعی دارد خلاء ادبیات موجود در این زمینه را پوشش دهد و راهنمایی برای سازمان‌های حسابرسی جهت تدوین استانداردهای حسابداری مجزا برای واحدهای کوچک و متوسط باشد.

### مبانی نظری و پیشینه

دو رویکرد غالب سودمندی در تصمیم‌گیری و پاسخ‌گویی در تدوین چارچوب نظری گزارشگری مالی به کار گرفته می‌شود. در فصل نخست چارچوب نظری سال ۲۰۱۸، هدف گزارشگری مالی مورد نظر هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ارائه اطلاعات سودمند در تصمیمات تخصیص منابع به عنوان تنها هدف استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی عنوان شده است. بنابراین هدف چارچوب نظری نسبت به نسخه سال ۲۰۱۰ ثابت باقی مانده است. هرچند که هیأت تا حدودی حوزه تصمیمات تخصیص منابع را گسترده‌تر کرده است و صرفاً شامل تصمیمات خرید و فروش، نگهداری و تصمیمات مربوط به اعطای وام نمی‌شود، بلکه شامل تصمیمات تخصیص منابع بر اساس ارزیابی اقدامات مدیریت نیز می‌شود. به عبارت دیگر چنین تصمیماتی شامل تصمیمات مربوط به اعطای پاداش، ابقا یا جایگزین کردن مدیریت است (پلگر، ۲۰۲۰). این تغییر در چارچوب نظری حسابداری ۲۰۱۸، در واقع تأکید بر هدف حسابدهی بدون تغییر در هدف اصلی (یعنی ارائه اطلاعات سودمند جهت تخصیص منابع) بوده است. هرچند تلاش‌های هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به منظور لحاظ کردن وظیفه حسابدهی در اهداف گزارشگری مالی کاملاً واضح است ولی هنوز این اعتقاد وجود دارد که نباید به عنوان هدفی جداگانه در چارچوب نظری قید شود (آن‌گونه که در چارچوب نظری سال ۱۹۸۹ آمده است). به دلیل این که به اعتقاد هیأت، ارزیابی عملکرد مدیریت به تنهایی یک هدف نیست، بلکه از آن به عنوان یک پارامتر در تصمیمات تخصیص منابع استفاده می‌شود (پلگر، ۲۰۲۰).

هدف هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری از معرفی استانداردهای گزارشگری مالی جدید برای واحدهای کوچک و متوسط، مبتنی بر رویکرد سودمندی در تصمیم است. بر اساس نظر هیأت، تفاوت‌های بین نسخه کامل و نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی باید بر اساس ملاحظات نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان آن‌ها و ملاحظات منفعت-هزینه لحاظ گردد. با این وجود، هیأت معتقد است به دلیل این که نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان

صورت‌های مالی واحدهای کوچک و متوسط در بسیاری از موارد شبیه استفاده کنندگان شرکت‌های با مسئولیت پاسخگویی عمومی است و بنابراین با برطرف شدن نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، نیازهای اطلاعاتی سایر گروه‌ها نیز برطرف می‌شود. بنابراین به کارگیری چارچوب متفاوت لازم نیست. استفاده کنندگان از صورت‌های مالی که توسط هیأت شناسایی شده‌اند، شامل بانک‌ها، فروشندگان، نهادهای رتبه‌بندی اعتباری، مشتریان و سهامدارانی که مدیران این شرکت‌ها نیستند (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۹).

جوناس و یانگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) و یانگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۶) بیان کردند که رویکرد استفاده‌کننده‌محور که در استانداردهای حسابداری بیان شده است، در غیاب تحقیقات تجربی در مورد نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان بوده است.

تحقیقات اولیه انجام شده در مورد استفاده‌کنندگان از اطلاعات واحدهای کوچک و متوسط نشان می‌دهد که استفاده‌کنندگان اصلی از صورت‌های مالی این واحدها، مدیران آن‌ها، نهادهای مالیاتی و بانک‌ها می‌باشند. سایر اعتباردهندگان و مشتریان در درجه کمتری از اهمیت قرار دارند. برخی از این تحقیقات در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. مطالعات گذشته در مورد استفاده‌کنندگان اصلی از گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط

استفاده‌کنندگان اصلی از گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط					کشور	نویسنده
مدیران/مالکان	بانک‌ها	نهادهای مالیاتی	اعتباردهندگان	سایر		
کشورهای توسعه یافته						
✓	✓	✓	×	×	انگلستان	کارسرگ <sup>۶</sup> و همکاران (۱۹۸۵)
✓	✓	✓	×	×	انگلستان	کولیس <sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۱۷)
✓	✓	✓	×	×	انگلستان	سیان و روبرتز <sup>۸</sup> (۲۰۰۹)
✓	✓	✓	×	×	ایرلند	بارکر و نونان <sup>۹</sup> (۱۹۹۶)
✓	✓	✓	×	×	کانادا	مینگات و زقال <sup>۱۰</sup> (۲۰۰۶)
✓	✓	×	×	×	کانادا	رنی و سنکو <sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹)
✓	✓	×	×	×	آلمان	ایرلی و هالر <sup>۱۲</sup> (۲۰۰۷)
کشورهای در حال توسعه						
×	×	✓	×	×	ویتنام	دنگ داک <sup>۱۳</sup> و همکاران (۲۰۰۶)

بهمنش و کاردان (۱۴۰۱) به نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط، از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی پرداختند. نتیجه پژوهش آن‌ها حاکی از این است که در هر دو گروه، اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان

اطلاعات مالی، نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط وجود داشته و این نیاز در گروه اعتباردهندگان بیشتر از تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی است.

کاشانی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی ضرورت پذیرش و به‌کارگیری این استانداردها از حیث اثرگذاری بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی پرداخته است. نتایج پژوهش آن‌ها بیان‌گر آن است که به‌کارگیری این استانداردها اثر مثبت و معناداری را بر ویژگی‌های کیفی اطلاعات از جمله قابلیت اتکا، قابلیت مقایسه، شناخت و اندازه‌گیری و ارائه و افشا دارد. بهمنش و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه ممیزان مالیاتی و حساب‌برسان مستقل پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها مؤید ضرورت تدوین این استانداردها از دیدگاه ذی‌نفعان (صرفاً حساب‌برسان و ممیزان مالیاتی) می‌باشد.

صدیقی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با موضوع تأثیر به‌کارگیری رویکرد ارزش منصفانه بر شاخص‌های عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، به بررسی تغییرات شاخص‌های عملکرد پس از به‌کارگیری استانداردهای کوچک و متوسط پرداخته است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که نسبت بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سرمایه، پس از به‌کارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط تغییر معناداری پیدا نمی‌کند.

دلاوری و مهدوی (۱۳۹۸) به بررسی نیازهای گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و متوسط از دیدگاه استادان حسابداری پرداختند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که هزینه تهیه صورت‌های مالی در شرکت‌های کوچک بیش از منافع حاصل از آن است و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز توانایی استفاده از آن‌ها را ندارند. همچنین، اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی این گونه شرکت‌ها با آنچه که اکنون در ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت جریانهای نقدی و یادداشت‌های توضیحی همراه صورتهای مالی ارائه می‌شود، متفاوت است. در نتیجه نظام گزارشگری مالی شرکت‌های کوچک و متوسط باید اصلاح و استانداردهای حسابداری جداگانه برای این شرکت‌ها تدوین گردد.

بر اساس مطالب پیشگفته، موضوع اولی که باید در این پژوهش مورد بررسی قرار گیرد، لزوم به‌کارگیری این استانداردها از منظر ذی‌نفعان و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها می‌باشد. موضوع دوم سایر دلایل توجیه‌کننده به‌کارگیری این استانداردها، از جمله بررسی

ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌های به کارگیری این استانداردها می‌باشد. بنابراین سوال‌های اول تا چهارم که این پژوهش سعی دارد به آن‌ها بپردازد، به شرح زیر است:

سوال ۱. ذی‌نفعان واحدهای کوچک و متوسط در ایران چه افراد یا نهادهای بوده و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها چیست؟

سوال ۲. با توجه به ذی‌نفعان واحدهای تجاری کوچک و متوسط و نیازهای اطلاعاتی آن‌ها، آیا به کارگیری نسخه‌ی بین‌المللی استانداردهای حسابداری در واحدهای کوچک و متوسط، قابل توجیه است؟

سوال ۳. هزینه‌ها و منافع به کارگیری یک مجموعه مجزا از استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط چه خواهد بود؟ و آیا منافع به کارگیری این استانداردها بر هزینه‌های آن فزونی دارد؟

سوال ۴. سایر دلایل توجیه‌کننده به کارگیری این استانداردها، شامل چه مواردی می‌باشد؟ در این استانداردها، واحدهای تجاری کوچک و متوسط، آن گروه از واحدهای تجاری هستند که مسئولیت پاسخ‌گویی عمومی ندارند و صورت‌های مالی با مقاصد عمومی را برای استفاده‌کنندگان برون سازمانی منتشر می‌کنند. طبق این تعریف، واحد تجاری زمانی مسئولیت پاسخ‌گویی عمومی دارد که:

الف) ابزارهای بدهی یا حقوق مالکانه آن در بازارهای عمومی (بورس اوراق بهادار داخلی و بین‌المللی یا بازار خارج از بورس اوراق بهادار شامل بازارهای محلی و منطقه‌ای) معامله شود یا فرآیند انتشار چنین ابزارهایی برای مبادله در بازارهای عمومی وجود داشته باشد و یا

ب) واحد تجاری، کسب و کار اصلی خود را نگهداری دارایی‌های گروه وسیعی از اشخاص برون سازمانی به صورت امانی در نظر گرفته باشد. بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، کارگزاران یا واسطه‌های اوراق بهادار، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تأمین سرمایه، مواردی از این واحدهای تجاری هستند (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۴).

منتقدین به این تعریف معتقدند که هیأت از یک تعریف کلی برای واحدهای کوچک و متوسط استفاده کرده است، به گونه‌ای که طراحی یک مجموعه استاندارد یکسان، مورد استفاده برای طیف وسیعی از این واحدها را دشوار ساخته است. ارائه تعریف کلی از واحدهای کوچک و متوسط منجر می‌شود که طیف وسیعی از این واحدهای تجاری با نیازها و



ظرفیت‌های گزارشگری مختلف، در این تعریف قرار بگیرند. بنابراین استانداردهای ارائه شده توسط هیأت ممکن است نتواند تمام نیازهای اطلاعاتی گروه‌های مختلف استفاده‌کننده این واحدها را پاسخگو باشد، و این رویکرد با رویکرد اصلی هیأت در تدوین استانداردها، یعنی رویکرد سودمندی در تصمیم‌گیری در تناقض است. علاوه بر این، خود عبارت واحدهای کوچک و متوسط تا حدودی می‌تواند گمراه‌کننده باشد، چرا که این عبارت به اندازه بنگاه‌ها بدون اشاره به ویژگی مسئولیت پاسخگویی مدنظر هیأت اشاره دارد (دی پیترا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

هنگام مواجهه شدن با این انتقاد که ارائه یک مجموعه استاندارد واحد در کلیه واحدهای تجاری کوچک و متوسط با اندازه‌های مختلف غیر واقع‌بینانه است، هیأت بر اساس سه استدلال زیر از مواضع خود دفاع کرده است:

۱. با توجه به نیازهای اطلاعاتی مشترک استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی این واحدها، یک مجموعه استاندارد برای هر واحد تجاری کوچک و متوسط که قصد دارد یا ملزم به ارائه صورت‌های مالی با اهداف عام باشد، صرفنظر از اندازه آن واحد مناسب می‌باشد (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۴).

۲. معیار هیأت در طبقه‌بندی یک واحد تجاری به عنوان واحد بزرگ یا کوچک و متوسط، بزرگی تعداد استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی آن‌ها می‌باشد. به این معنا که شرکت‌های با مسئولیت پاسخگویی عمومی (عموماً شرکت‌های بورسی) با توجه به گستردگی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی آن‌ها، به عنوان شرکت‌های بزرگ محسوب می‌شوند در صورتی که واحدهای فاقد مسئولیت پاسخگویی عمومی، از این میزان گستردگی استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی برخوردار نیستند (اسکاتی و بایز، ۲۰۱۱).

۳. دستیابی به یک تعریف واحد براساس معیارهای کمی که مورد قبول کلیه کشورها بوده و متناسب با شرایط واحدهای تجاری کوچک و متوسط در اقتصاد بین‌المللی باشد غیرممکن است (اسکاتی و بایز، ۲۰۱۱). لذا هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری با توجه به تفاوت‌های موجود در واحدهای تجاری کوچک و متوسط بین کشورهای مختلف جهان، این امکان را داده است که کشورها می‌توانند برای طبقه‌بندی واحدهای تجاری کوچک و متوسط و دامنه شمولیت این استانداردها از معیارها و طبقه‌بندی‌های خود استفاده کنند و یا در صورت لزوم، در برخی از مفاد این استانداردها تعدیلاتی اعمال کنند (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۷).

برخی کشورها از جمله استرالیا، نیوزلند، انگلستان، آفریقای جنوبی و برزیل در تعریف واحدهای کوچک و متوسط علاوه بر معیار کیفی هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری از معیارهای کمی نظیر تعداد کارکنان، میزان دارایی‌ها و درآمد عملیاتی نیز استفاده کرده‌اند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۶).

انتقاد دیگر توسط تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی تلفیقی شرکت‌های هلدینگ‌ی مطرح گردیده است که از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کنند، در صورتی که واحدهای تجاری فرعی آن‌ها از استانداردهای بین‌المللی واحدهای تجاری کوچک و متوسط استفاده می‌کنند. دغدغه‌ای که برای این گروه از تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی ایجاد می‌شود، این است که هنگام تلفیق صورت‌های مالی شرکت اصلی با شرکت فرعی، در صورتی که شرکت فرعی از مجموعه استانداردهای دیگری به جز نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی تبعیت کند، کار برای تلفیق بسیار دشوار می‌گردد زیرا الزامات شناخت و اندازه‌گیری بین استانداردهای حسابداری مختلف متفاوت است و هنگام تهیه صورت‌های مالی تلفیقی باید در صورت‌های مالی شرکت‌های فرعی تعدیلات مناسب صورت گیرد و این موضوع کار را برای شرکت‌های هلدینگ سخت خواهد کرد (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۱۹).

هیأت در ارتباط با انتقاد اخیر، موضع پذیرش را انتخاب کرده و بر اساس رویکرد بهبود مستمر خود در فرآیند استاندارد گذاری، با ارائه مجموعه مکملی تحت عنوان استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته، به این انتقاد پاسخ داده است. پروژه تدوین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با الزامات افشای کاهش یافته در سال ۲۰۱۵ توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری آغاز گردید و هم‌اکنون در مرحله تصویب پیش‌نویس و دریافت نظرخواهی عمومی قرار دارد (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۲۱).

جامعه هدف استانداردهای بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته، شرکت‌های فرعی می‌باشد که شرکت اصلی آن‌ها از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی تبعیت می‌کند. رویکرد هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در تدوین این مجموعه از استاندارد، تدوین استانداردهایی با الزامات شناخت و اندازه‌گیری یکسان ولی با الزامات افشای به مراتب کم‌تر از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی بوده است. لذا هیأت از استراتژی ترکیب دو مجموعه استانداردهای خود (نسخه کامل و نسخه واحدهای تجاری کوچک و

متوسط) استفاده کرده است. بدین صورت که الزامات شناخت و اندازه‌گیری را از نسخه کامل و الزامات افشا را از نسخه واحدهای تجاری کوچک و متوسط با استثناهایی گرفته است (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۲۱).

در ایران تعریف واحدی از واحدهای کوچک و متوسط وجود ندارد و هر سازمانی تعریفی ارائه داده است. لذا دستیابی به یک تعریف جهت اهداف گزارشگری و به‌کارگیری استانداردهای حسابداری ضروری به نظر می‌رسد. در جدول ۱ تعاریف ارائه شده توسط نهادهای مختلف ارائه شده است (مصطفی‌زاده، ۱۳۹۴).

جدول ۱. تعاریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط در ایران

تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط	نام سازمان
واحدهای تجاری با کمتر از ۵۰ نفر پرسنل واحدهای تجاری کوچک و متوسط تعریف می‌شوند.	وزارت صنعت، معدن و تجارت
کسب و کارها را به چهار گروه طبقه‌بندی کرده است: واحدهای تجاری دارای ۱-۹ پرسنل (خرد)، ۱۰-۴۹ پرسنل (کوچک)، ۵۰-۹۹ پرسنل (متوسط) و بیش از ۱۰۰ پرسنل (بزرگ) تعریف می‌شوند.	مرکز آمار ایران
واحدهای تجاری با کمتر از ۵۰ نفر پرسنل واحدهای تجاری کوچک و متوسط تعریف می‌شوند.	وزارت جهاد کشاورزی
واحدهای تجاری بین ۵-۵۰ نفر پرسنل واحدهای تجاری کوچک و متوسط تعریف می‌شوند.	سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی
واحدهای تجاری دارای ۱-۹ پرسنل (خرد)، ۱۰-۴۹ پرسنل (کوچک)، ۵۰-۹۹ پرسنل (متوسط) و بیش از ۱۰۰ پرسنل (بزرگ) تعریف می‌شوند.	اداره آمار بانک مرکزی

بر اساس مطالبی که بیان گردید، موضوع سومی که این پژوهش سعی دارد به آن بپردازد، دامنه شمولیت این استانداردها یا دستیابی به تعریفی از واحدهای کوچک و متوسط می‌باشد که واجد شرایط به‌کارگیری این استانداردها هستند. بنابراین سوال پنجم تحقیق به شرح زیر مطرح می‌گردد.

سوال ۵. آیا معیار کیفی ارائه شده توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی، برای تعریف واحدهای کوچک و متوسط کافی است یا باید از معیارهای کمی و کیفی دیگر نیز در تعریف این واحدهای تجاری بکار گرفت؟

هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری معتقد است بر اساس رویکرد سودمندی در

تصمیم، نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای بزرگ و رفع نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان این واحدهای تجاری طراحی شده‌اند و مناسب واحدهای کوچک و متوسط نیست. بنابراین، تدوین نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی بر اساس دو پارامتر نیازهای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی این واحدهای تجاری و امکانات و محدودیت‌های آنها، بوده است. با این وجود، هیأت در تدوین این استانداردها از رویکرد شروع مجدد<sup>۱۶</sup> استفاده نکرده و رویکرد از بالا به پایین<sup>۱۷</sup> را بکار گرفته است. به این معنا که محتوای نسخه واحدهای کوچک و متوسط بر اساس نسخه کامل، با به کارگیری ساده‌سازی‌هایی در الزامات افشا و روش‌های شناخت و اندازه‌گیری تنظیم شده است (هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، ۲۰۰۴).

برای مثال:

- موضوعاتی که کم‌تر به واحدهای کوچک و متوسط مربوط می‌شوند، مثل سود هر سهم، اطلاعات گزارشگری قسمت‌ها و گزارشگری میان‌دوره‌ای حذف شده‌اند.
- الزامات افشا از ۳,۰۰۰ مورد در نسخه کامل به ۳۰۰ مورد در نسخه واحدهای کوچک و متوسط رسیده است.
- برخی روش‌های اندازه‌گیری و شناخت در برخی حوزه‌ها ساده‌سازی شده‌اند برای مثال هزینه‌های استقراض و هزینه‌های تحقیق و توسعه به جای سرمایه‌ای کردن باید هزینه شوند.

بسیاری از کشورها معتقدند که استانداردهای تدوین شده توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی متناسب با ویژگی‌های کشورهای در حال توسعه نبوده و هر کشوری که قصد به کارگیری این مجموعه از استانداردها را دارد، باید به بومی‌سازی این استانداردها پردازد. همچنین برخی معتقدند که هیأت در برخی موارد رسالت اصلی خود یعنی ساده‌سازی نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی متناسب با ویژگی‌های واحدهای کوچک و متوسط را فراموش کرده است. در ادامه به برخی از این تحقیقات در این حوزه پرداخته شده است.

بنیتو و پائیس<sup>۱۸</sup> (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی عوامل اثرگذار در به کارگیری استانداردهای بین‌المللی واحدهای کوچک و متوسط در نمونه‌ای شامل ۸۴ کشور (شامل کشورهای پذیرنده و غیرپذیرنده این استانداردها) پرداختند. نتیجه پژوهش آنها حاکی از آن بود که کشورهایی که قبلاً مجموعه کامل استانداردهای بین‌المللی را بکار گرفته‌اند و یا

برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط خود دارای استانداردهای بومی بوده‌اند، برای پذیرش نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی مقاومت کمتری نشان می‌دهند. آن‌ها دلیل اصلی این برخورد متفاوت بین کشورها را به هزینه‌های ناشی از انتقال به یک مجموعه استاندارد جدید بیان کرده‌اند. به عبارت دیگر، کشورهایی که قبلاً نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی را پذیرفته‌اند، نسبت به استانداردهای بین‌المللی از قبل آشنایی داشته و دشواری کمتری برای پذیرش این استانداردها دارند.

در مقاله‌ای از پیرا و چاند<sup>۱۹</sup> (۲۰۱۵) با رویکردی انتقادی، همسان‌سازی، توسعه و اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط بررسی شده و نتایج نشان داد که حسابداران هنوز به اندازه کافی با فرآیند تطبیق با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هماهنگ نشده‌اند. همچنین مشخص نبودن مبنای اصلاح کامل استانداردهای گزارشگری در شرکت‌های کوچک و متوسط به‌خصوص ملاحظات هزینه-فایده، نهادهای استانداردگذار را در استفاده از این استانداردها مردد نموده است.

چاند<sup>۲۰</sup> و همکاران (۲۰۱۵) در یک پژوهش کیفی به چالش‌های موجود در به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای این واحدهای تجاری و بررسی مفاد این استانداردها جهت اعمال تعدیلات لازم در کشور فیجی پرداختند. نتیجه تحقیق آن‌ها گویای وجود چالش‌های اساسی و نبود رهنمود جامع در به‌کارگیری الزامات شناخت و اندازه‌گیری این استانداردها بوده است. همچنین نبود توافق میان حسابداران خبره در ارتباط با اجماع بر بسیاری از مسائل موجود در این استانداردها از نتایج دیگر این تحقیق است. در نهایت بیشتر پاسخ‌دهندگان در این پژوهش معتقدند که جهت به‌کارگیری مقرون به صرفه این استانداردها در واحدهای تجاری کوچک و متوسط باید معافیت‌های بیش‌تری در این مجموعه استانداردها اعمال نمود.

آلبو<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط در اقتصادهای نوظهور به بررسی ادراک ذی‌نفعان این واحدها در مورد به‌کارگیری نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی در کشورهایی چون جمهوری چک، مجارستان، رومانی و ترکیه پرداخته‌اند. در این پژوهش که به بررسی چالش‌ها، معایب و مزایای این

استانداردها و استراتژی‌های ممکن برای به کارگیری این استانداردها پرداخته شده است، سه استراتژی ممکن شامل به کارگیری اجباری، به کارگیری اختیاری و بومی‌سازی این استانداردها با استانداردهای ملی از دیدگاه ذی‌نفعان این واحدها مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه پژوهش حاکی از مزایای بیشتر پذیرش این استانداردها بوده است و از نظر ذینفعان مختلف سناریوهای مختلفی پیشنهاد شده است. بر اساس نظر حساب‌رسان و استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی، استراتژی به کارگیری اختیاری استانداردها گزینه مناسب‌تری است و از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی این واحدها، استراتژی بومی‌سازی رویکرد بهتری می‌تواند باشد. هزینه‌های اصلی شناسایی شده در این تحقیق جهت به کارگیری این مجموعه از استانداردها، شامل هزینه‌های آموزش حسابداران، ایجاد سیستم‌های جداگانه برای گزارشگری مالی و مالیاتی، هزینه‌های مربوط به ارتقای سیستم‌های فناوری اطلاعات و پرداخت به کارشناسان و حساب‌رسان می‌باشد.

در ترکیه اویار و گانگورموس<sup>۲۲</sup> (۲۰۱۳) پژوهشی به منظور بررسی دانش حسابداران نسبت به نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر آن بود که اکثر مشارکت‌کنندگان در تحقیق نسبت به تفاوت‌های بین نسخه واحدهای کوچک و متوسط و نسخه کامل و ساده سازی‌های انجام شده در نسخه واحدهای کوچک و متوسط بی‌اطلاع بودند. علاوه بر این، عدم کفایت برگزاری برنامه‌های آموزشی پرسنل توسط نهادهای حرفه‌ای به عنوان مانع جدی در به کارگیری این استانداردها شناخته شدند.

رام و نیوری<sup>۲۳</sup> (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی فرآیند قانونی<sup>۲۴</sup> حاکم بر هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در تدوین این استانداردها پرداختند. نتیجه مهم این پژوهش آن بوده است که رویکرد اصلی هیأت به حداقل رساندن تفاوت‌های این استانداردها و نسخه کامل بوده است و هدف اصلی تدوین این استانداردها که کاهش الزامات گزارشگری و ساده‌سازی استانداردها برای واحدهای کوچک و متوسط بوده، به دست فراموشی سپرده شده است.

آبویگه و آگبیر<sup>۲۵</sup> (۲۰۱۲) در پژوهش خود با موضوع بررسی مناسب بودن استانداردهای بین‌المللی در واحدهای تجاری کوچک و متوسط در کشور غنا، به این نتیجه دست یافتند که دو سوم موضوعات حسابداری ارائه شده در نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی یا کاملاً بی‌ارتباط و یا دارای ارتباط کمی با واحدهای تجاری کوچک و متوسط در غنا می‌باشد.

اسکاتی و بایز (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان ارزیابی انتقادی محتوای استانداردهای بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط، به بررسی انتقادی این استانداردها و مناسب بودن آن‌ها از دید شرایط و موقعیت‌های موجود در کشورهای در حال توسعه و کشورهای آفریقایی پرداختند. بر اساس یافته‌های این پژوهش، صورت وضعیت مالی به عنوان مهم‌ترین صورت مالی شناخته شده و قسمت‌هایی از استاندارد ترکیب‌های تجاری، حسابداری تورم حاد، اهداء و رویدادهای بعد از تاریخ ترازنامه برای واحدهای کوچک و متوسط از درجه اهمیت کمی برخوردار است.

ایرلی و هالر (۲۰۰۹) در پژوهشی با موضوع بررسی اثر اندازه در مناسب بودن به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط در آلمان، به این نتیجه دست یافتند که ۷۵ درصد از واحدهای کوچک و متوسط در آلمان به ندرت با مسائل حسابداری عملیات متوقف‌شده، اجاره‌ها به خصوص زمانی که واحد تجاری در مقام اجاره‌دهنده باشد، معاملات مربوط به پوشش ریسک<sup>۲۴</sup> و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته یا فرعی مواجه می‌شوند.

بر اساس مطالبی که بیان گردید، موضوع چهارمی که این پژوهش سعی دارد به آن پردازد، استراتژی‌های به‌کارگیری این استانداردها می‌باشد. بنابراین سوالات ششم تا هشتم تحقیق به شرح زیر مطرح می‌گردد.

- سوال ۶. آیا نیازی به بومی‌سازی نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی می‌باشد، یا باید این استانداردها را بدون اعمال هیچ‌گونه تعدیلی بکار گرفت؟
- سوال ۷. در صورت به‌کارگیری استراتژی بومی‌سازی، کدام یک از الزامات اندازه‌گیری و شناخت نیاز به تعدیل دارد؟
- سوال ۸. کدام یک از استراتژی‌های الزام و اختیار در به‌کارگیری این استانداردها، استراتژی مناسب‌تری است؟

## روش‌شناسی

در این تحقیق از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. علت انتخاب روش تحقیق کیفی این است که بسیاری از ابعاد مسأله تحقیق روشن نیست و پژوهشگر باید با استفاده از روش تحقیق کیفی مولفه‌های اصلی را شناسایی کند. برای مثال همان‌طور که بیان گردید،

در ایران تعریف مشخص و یکسانی از واحدهای کوچک و متوسط وجود ندارد و تعاریف موجود متناسب با هدف گزارشگری این واحدها نیست. لذا نیازمند این است که از طریق مصاحبه با خبرگان و بررسی دقیق معیارهای کمی و کیفی به یک تعریف جامع و مانع از این واحدهای تجاری دست یافت. همچنین برای تعدیل برخی الزامات شناخت و اندازه‌گیری در این استانداردها لازم است که پژوهشگر در ارتباط با ابعاد مختلف مبانی تئوریک و دلایل تعدیل با مصاحبه‌شوندگان وارد بررسی عمیق و تحلیلی گردد. در این مرحله از تحقیق گام‌های زیر اتخاذ شده است:

۱. ابتدا تحقیقات گذشته در حوزه گزارشگری مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط مطالعه شده تا شناختی از تعاریف موجود در واحدهای کوچک و متوسط و استراتژی‌های مختلف به کارگیری این استانداردها حاصل گردد.
  ۲. سپس با افراد مصاحبه شونده، تعدادی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شده است.
  ۳. سپس داده‌های کیفی با استفاده از روش تحلیل تم مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و داده‌های جمع‌آوری شده کدگذاری شده و تم‌های اصلی و فرعی شناسایی شده‌اند.
  ۴. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافته که محقق قانع شود مطلب تازه‌ای مطرح نشده است. در این مرحله دسته‌بندی و مرتبط‌سازی تم‌ها تکمیل گردید.
  ۵. در نهایت به عنوان خروجی کار، با برقراری ارتباط میان تم‌های شناسایی شده، چارچوب مفهومی متناسب با هدف تحقیق ارائه شده است.
- در تحلیل تم، تم‌ها یا الگوهای درون داده‌ها را به دو شیوه اصلی می‌توان شناسایی کرد: به شیوه استقرایی (پایین به بالا) یا به شیوه تئوریک یا قیاسی (بالا به پایین) (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸). در تحقیق حاضر و به لحاظ ساختار قبلی برخی مفاهیم در چارچوب نظری، از ترکیبی از این دو شیوه است.

### جامعه و نمونه آماری

نمونه این پژوهش از جامعه آماری شامل گروه مدیران و شرکای موسسات حسابرسی و اعضاء استانداردگذار سازمان حسابرسی به روش گلوله برفی انتخاب شده است. بدین ترتیب، تعداد ۱۹ نفر (شامل ۱۴ نفر از شرکا و مدیران موسسات حسابرسی آشنا با استانداردهای بین‌المللی و ۵ نفر از اعضای استانداردگذار سازمان حسابرسی) به عنوان



نمونه انتخاب گردید. مشخصات مصاحبه‌شوندگان در پیوست یک ارائه شده است. از نظر جنسیت، ۵ نفر از مصاحبه‌شوندگان، زن و ۱۴ نفر، مرد هستند. از نظر مدرک دانشگاهی، ۵ نفر دارای مدرک دکتری، ۱۰ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴ نفر دارای مدرک کارشناسی هستند. از نظر میزان سن، ۶ نفر بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۷ نفر بین ۴۰ تا ۵۰ سال و ۶ نفر بالای ۵۰ سال هستند. از نظر میزان سابقه نیز ۷ نفر بین ۱۰ تا ۲۰ سال، ۸ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال و ۴ نفر بالای ۳۰ سال سابقه دارند. انتخاب افراد ذکرشده به عنوان جامعه آماری و انتخاب نمونه از این گروه به دلایل زیر می‌باشد.

۱. با توجه به آن‌که اعضای مصاحبه‌شونده باید اطلاعات جامعی در مورد استانداردهای بین‌المللی حسابداری داشته باشند، سعی شده است نمونه از مدیران و شرکای موسسات حسابرسی آشنا با استانداردهای بین‌المللی انتخاب گردد. لذا سایر گروه‌ها از جمله مدیران مالی و کارکنان بخش مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط نمی‌توانند کمک‌چندانی در جهت پاسخ به سوالات این پژوهش کنند.
۲. با توجه به این‌که موسسات حسابرسی با طیف وسیعی از واحدهای تجاری کوچک و متوسط در صنایع مختلف ارتباط دارند، لذا انتخاب این موسسات به عنوان نمونه مصاحبه در مقایسه با پرسنل واحدهای تجاری کوچک و متوسط می‌تواند اطلاعات جامع‌تری در اختیار پژوهش‌گر قرار دهد.
۳. دلیل انتخاب شرکا و مدیران موسسات حسابرسی در بین سطوح رتبه‌بندی کارکنان موسسات حسابرسی، تسلط، دانش و تجربه کاری بالاتر آن‌ها در مقایسه با سطوح سرپرستی و سایر می‌باشد. همچنین در انتخاب این افراد سعی شده است که از بین افرادی انتخاب شوند که به استانداردهای بین‌المللی حسابداری تسلط داشته باشند. لذا ابتدا با توجه به وجود چند موسسه‌ی حسابرسی بین‌المللی در ایران، نمونه‌های اولیه از این افراد به صورت قضاوتی انتخاب می‌شوند، سپس بر اساس روش گلوله‌برفی افراد دیگر توسط نمونه انتخاب شده معرفی می‌شوند (بدین ترتیب سه نمونه به روش قضاوتی انتخاب گردید).
۴. با توجه به این‌که شرکا و مدیران موسسات حسابرسی تجربه ارزشمندی در حسابرسی این واحدهای تجاری دارند و با بسیاری از ذی‌نفعان آن‌ها در تعامل هستند، لذا در تشخیص نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان آن‌ها می‌تواند اطلاعات مفیدی ارائه دهند. مضافاً این‌که با توجه به اهمیت بانک‌ها به عنوان ذی‌نفع اصلی این واحدها، سعی

گردید برخی از موسسات حسابرسی که متخصص در صنعت بانکداری هستند نیز در نمونه مصاحبه‌ها حضور داشته باشند.

۵. انتخاب اعضای استانداردگذار سازمان حسابرسی به عنوان نمونه‌های دیگر این پژوهش به این دلیل بوده است که اولاً موضوع پژوهش مربوط به استانداردگذاری در شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشد، و ثانیاً با توجه به این که متولی بخش تدوین استانداردهای حسابداری در ایران سازمان حسابرسی می‌باشد، لذا انتخاب اعضای استانداردگذار می‌تواند یافته‌های این تحقیق را از بعد کاربردی تقویت کند. مدت زمان مصاحبه با هر یک از ایشان بین ۲۰ دقیقه تا ۲ ساعت متغیر بوده است. در مصاحبه با نفر شانزدهم عملاً اشباع نظری حاصل گردید و موارد جدیدی در مصاحبه‌های بعدی ارائه نگردید.

### یافته‌ها

نتایج حاصل از تحلیل تم که براساس دسته‌بندی داده‌های کدگذاری شده حاصل از مرور متن‌ها و مصاحبه‌های انجام شده بدست آمده، در جداول ۳ تا ۶ ارائه شده است. در ادامه براساس جداول مورد اشاره، به توضیح و تحلیل یافته‌های تحقیق پرداخته شده است. در هر قسمت، بخش‌هایی از مصاحبه‌ها جهت توضیح بهتر و مستند کردن نتیجه‌گیری‌ها، ذکر شده است. متن‌های بررسی شده با علامت T، مصاحبه‌های اخذشده از شرکا و مدیران موسسات حسابرسی با علامت PM و مصاحبه‌های اخذشده از اعضای استانداردگذار سازمان حسابرسی با علامت S نام‌گذاری شده‌اند.

#### لزوم به‌کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسط

در جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل تم بر اساس لزوم به‌کارگیری این استانداردها از نظر ذی‌نفعان این واحدهای تجاری و سایر عوامل توجیه‌کننده، ارائه شده است.

## جدول ۳. ذی‌نفعان و ضرورت استانداردهای بین‌المللی حسابداری واحدهای کوچک و متوسط

تم اصلی	تم فرعی	دسته‌های مفهومی	کدها	
ذی‌نفعان و موارد استفاده از اطلاعات مالی	بانک‌ها	تصمیمات مربوط به اعتباردهی	T0801, T0901, T1001, T1101, T1201, T1301, T1401, S0111, S0113, S0114, S0207, S0319, S0322, S0411, PM0116, PM0117, PM0214, PM0215, PM0325, PM0326, PM0424, PM0425, PM0428, PM0512, PM0620, PM0623, PM0626, PM0921, PM0922, PM0923, PM1023, PM1119, PM1211, PM1321, PM1323, PM1324, PM1325, PM1410, PM1411	
	موسسات رتبه‌بندی	تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها	PM0426, PM0427, PM0713, PM0714, PM0715, PM0716, PM0717, PM0718, PM0719, PM1124, PM1125, PM0327, PM0328, PM1123, PM1322	
	مدیر - مالک	محاسبه‌ی ذخیره مالیات	محاسبه‌ی ذخیره مالیات	PM0619, PM1225, PM1413, PM0814, PM0911
		سود تقسیمی و تعیین پاداش	سود تقسیمی و تعیین پاداش	T1004, T1005, S0321, PM1224, PM1318, PM1315, PM1412
		استفاده از سایر اطلاعات مالی به جز صورت‌های مالی	استفاده از سایر اطلاعات مالی به جز صورت‌های مالی	T0903, T0803, T1303, S0206, S0213, S0318, PM0615, PM0616, PM0617, PM0618, PM0817, PM0818, PM0819, PM0912, PM0913, PM0915, PM0916, PM0917, PM0918, PM0919, PM0920, PM1219, PM1220, PM1221, PM1222, PM1223, PM1316, PM1317
	ارائه اطلاعات به سایر ذی‌نفعان	ارائه اطلاعات به سایر ذی‌نفعان	T1003, T1103, T1203, PM0118, PM0217, PM0516, PM1022, PM1118, PM1218, S0212, S0214, PM0220, PM0721, PM0722	
	سازمان امور مالیاتی	استفاده در رسیدگی‌های مالیاتی	T0802, T0902, T1002, T1102, T1401, S0112, S0115, S0208, S0209, S0320, S0323, S0324, S0412, PM0114, PM0115, PM0511, PM0513, PM0621, PM0914, PM0924, PM1024, PM1025, PM1026, PM1120, PM1121, PM1122, PM1212, PM1213, PM1214, PM1319, PM1320	
	سرمایه‌گذاران بالقوه	اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری	PM0514, PM0515, PM1126, PM1127, PM1128, PM1215, PM1216, PM1217	
	جامعه		S0211, S0119, S0410, S0413, S0414, PM0222, PM0429, PM0430	
	ملاحظات منفعت - هزینه		S0116, S0117, S0118, S0216, S0325, S0419, PM0216, PM0431, PM0622, PM0815, PM0816, PM0925, PM1130, PM1226, PM1227, PM1228, PM1326	
سایر دلایل	امکانات و محدودیت‌ها		S0210, PM0119, PM0331, PM0720, PM1327, PM1328, PM1329	
	شرایط سیاسی		S0120, S0326, S0416, S0417, S0418, PM0219, PM0329, PM0330, PM0432, PM0433, PM0518, PM0519, PM0723, PM0926, PM1028, PM1415	
	فعالیت بین‌المللی شرکت‌ها		S0215, PM0218, PM0724, PM0927, PM1027, PM1129, PM1414	
	رویکرد سازمان حسابرسی		S0327, S0415, PM0221, PM0821, PM0822, PM1416	
	چارچوب نظری مشترک		PM0517, PM0624, PM0625, PM0820, PM1229	

## ذی‌نفعان و موارد استفاده از اطلاعات مالی

غالب مصاحبه‌شوندگان، مهم‌ترین ذی‌نفع صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط را بانک‌ها و مهم‌ترین استفاده از صورت‌های مالی را کمک در اتخاذ تصمیمات اعتباردهی به این واحدهای تجاری بیان کرده‌اند. بر اساس نظرات آن‌ها، صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه آن در تصمیمات اعتباری بانک‌ها و امتیاز اعتباری شرکت‌ها نقش بسیار با اهمیتی را به خصوص در سال‌های اخیر پیدا کرده‌اند.

مهم‌ترین ذینفع SMEها بانک‌ها هستند. ما مشتریان بانکی زیادی داریم که البته میزان استفاده بانک‌های مختلف از اطلاعات صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری متفاوت است ولی روند سالانه نشان می‌دهد که بانک‌ها در حال حرکت به سمت فرآیند اعتبارسنجی هستند (PM0425).

به نظر مصاحبه‌شوندگان، وجود یک مجموعه استاندارد متناسب با ویژگی‌های این واحدهای تجاری به گونه‌ای که منجر به ارائه صورت‌های مالی با کیفیت گردد، می‌تواند در تصمیمات اعتباری بانک‌ها نقش موثری داشته باشد. با توجه به این که در این استانداردها، بسیاری از افشائات غیر ضرور حذف گردیده و با ساده‌سازی‌هایی که در برخی الزامات اندازه‌گیری و شناخت اعمال شده، منجر به تسهیل تهیه صورت‌های مالی توسط این واحدهای تجاری شده است. لذا برای بانک‌ها این اطمینان خاطر ایجاد می‌گردد که با حذف موضوعات پیچیده و غیر ضرور، ضمن ارائه اطلاعات لازم و با اهمیت در صورت‌های مالی، صحت ارائه ارائه شده نیز تضمین می‌گردد.

بانک‌ها به بحث سودآوری و چند نسبت مالی بسنده می‌کنند و صرفاً برخی افشاها را نیاز دارند. بنابراین تفاوت در افشاهای بین این دو استاندارد با توجه به این که بسیاری از این افشاها را کم می‌کند کاملاً در تطابق با نیازهای ذی‌نفعان اصلی شرکت است (PM0117).

موسسات رتبه‌بندی نیز به عنوان یکی از ذی‌نفعان این واحدهای تجاری بیان شده‌اند. بر اساس پاسخ‌های دریافتی، هر چند فعالیت این موسسات در حال حاضر محدود بوده ولی بر اساس قوانینی که در سال‌های اخیر توسط نهادهای مختلف از جمله سازمان بورس اوراق بهادار، مجلس شورای اسلامی و بانک مرکزی تدوین شده است، فعالیت این موسسات در سال‌های آتی به منظور تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها جهت اخذ تسهیلات از بانک‌ها، انتشار اوراق مشارکت و... گسترش زیادی پیدا خواهد کرد. با توجه به این که از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی مورد استفاده توسط موسسات رتبه‌بندی اعتباری در تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها، اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها می‌باشد، لذا وجود استانداردهای حسابداری مختص این واحدهای تجاری که منجر به صورت‌های مالی با کیفیت بالایی گردد، می‌تواند نقش موثری را در فرآیند تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها داشته باشد.

طبیعتاً موسسه رتبه‌بندی صورت‌های مالی با افشائات بالاتر را ترجیح می‌دهد ولی اگر همین افشائات بالاتر اجرا نشود یا با کیفیت پایین اجرا شود، بهتر است که افشائات کمتر، ولی به شکل صحیح باشد. پس بهتر این است به جای اینکه ما یک سری استاندارد پیچیده

داشته باشیم و آن را فقط در ویرترین بدون هیچ استفاده‌ای بگذاریم، یک مجموعه استاندارد ساده‌تر داشته باشیم ولی عملی و با قابلیت کاربرد در SMEها (PM1123).

مدیرانی که عمدتاً مالکیت این شرکت‌ها را به عهده دارند، به عنوان یکی دیگر از ذی‌نفعان بیان شده‌اند. بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، در اکثر موارد مدیران واحدهای کوچک و متوسط، مالکان شرکت نیز می‌باشند و بر خلاف واحدهای بزرگ و بورسی که مدیریت از مالکیت جدا می‌باشد، این شرکت‌ها به صورت خانوادگی اداره می‌شوند.

طبق نظر پاسخ‌دهندگان، مدیران این شرکت‌ها عمدتاً از صورت‌های مالی این واحدهای تجاری در جهت اهدافی چون تعیین مالیات، اتخاذ تصمیماتی چون تعیین سود تقسیمی، پاداش مدیران و ارائه صورت‌های مالی به نهادهایی چون سازمان امور مالیاتی و بانک‌ها استفاده می‌کنند. همچنین با توجه به این که این شرکت‌ها از نظر اندازه بزرگ نیستند و پیچیدگی چندانی ندارند و با توجه به عدم جدایی مدیریت از مالکیت، مدیران این شرکت‌ها از جزئیات امور شرکت مطلع هستند و از اطلاعات موجود در صورت‌های مالی، به غیر از مواردی که بیان گردید، در اتخاذ تصمیمات مربوط اداره شرکت کم‌تر استفاده می‌کنند. علاوه بر این، بسیاری از مدیران این شرکت‌ها از دانش مالی لازم جهت درک مفاهیم صورت‌های مالی برخوردار نیستند و یا به دلیل گذشته‌نگر بودن و بهنگام نبودن اطلاعات صورت‌های مالی، استفاده از این اطلاعات را در اتخاذ تصمیمات مدیریتی چندان مناسب نمی‌دانند. لذا جهت رفع نیازهای اطلاعاتی خود، از سایر منابع اطلاعاتی مثل اطلاعات صورت‌های مالی بودجه شده، صورت‌های مالی مدیریتی ماهانه، اطلاعات فروش ماهانه، حاشیه فروش محصولات، تجزیه و تحلیل بهای تمام شده، اطلاعات مربوط به ضایعات تولید و صورت مغایرت‌های بانکی و سایر اطلاعات مالی که حاوی اطلاعات به‌روز و آتی باشد، استفاده می‌کنند. بنابراین وجود استانداردهای حسابداری با الزامات ساده‌تر برای این گروه که ملزم به ارائه اطلاعات به سایر ذی‌نفعان از جمله سازمان امور مالیاتی و بانک‌ها هستند، می‌تواند موثر واقع شود.

در مورد استفاده از صورت‌های مالی برای تصمیم‌گیری با توجه به این که بسیاری از مفاهیم صورت مالی و قواعد استانداردهای حسابداری برای آن‌ها مبهم است، بیش‌تر از گزارش‌های مدیریتی استفاده می‌کنند (PM0817).

مدیران این شرکت‌ها خیلی صورت‌های مالی برای آن‌ها موضوعیت ندارد چون فعالیت شرکت گسترده‌تری خاصیتی ندارد و از ریز امور شرکت مطلع هستند (PM1221).  
گروه بعدی که مصاحبه‌شوندگان در پاسخ‌های خود به آن اشاره کرده‌اند، سازمان امور مالیاتی

می‌باشد. بر اساس اظهارات اکثر آن‌ها، سازمان امور مالیاتی از صورت‌های مالی این واحدهای تجاری بیش‌تر به عنوان مبنایی جهت شروع رسیدگی‌های خود استفاده می‌کند و در غالب موارد از سایر منابع اطلاعاتی و رسیدگی‌های میدانی و بر اساس قواعد و رویه‌های خود نسبت به تعیین درآمد مشمول مالیات، مالیات تشخیصی و قطعی اقدام می‌کند. لذا هر چند به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط محسوب می‌شوند، ولی به صورت گسترده و عمیق از اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای اهداف مالیات‌ستانی استفاده نمی‌کنند.

برای سازمان که فرقی نمی‌کند شما از چه استاندارد حسابداری استفاده کرده‌اید، بلکه فقط از اطلاعات مالی به عنوان یک نقطه شروع برای تشخیص مالیات استفاده می‌کند (S0209). سرمایه‌گذاران بالقوه نیز به عنوان ذی‌نفع دیگر واحدهای کوچک و متوسط توسط مصاحبه‌شوندگان بیان شده‌اند. این گروه از استفاده‌کنندگان در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری در این واحدهای تجاری از اطلاعات صورت‌های مالی در کنار سایر منابع اطلاعاتی، به منظور بررسی روند سودآوری و وضعیت مالی شرکت استفاده می‌کنند. ذی‌نفع دیگر هم سرمایه‌گذار می‌باشد که اطلاعات صورت‌های مالی در تصمیمات سرمایه‌گذاری بسیار موثر خواهد بود (PM0514).

در نهایت، مصاحبه‌شوندگان جامعه را نیز به عنوان یکی از ذی‌نفعان این واحدهای تجاری اعلام کرده‌اند. بر اساس اظهارات آن‌ها، تصمیمات سایر ذی‌نفعان از جمله بانک‌ها در تصمیمات اعتباری به این واحدهای تجاری، منافع کل جامعه را به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر اگر بانک‌ها در تصمیمات اعتباردهی خود به این شرکت‌ها، بر اساس اطلاعات نادرست ارائه شده توسط شرکت به آن‌ها اشتباه کنند، منابع آن‌ها در امور مولد و با بازدهی بالا تخصیص داده نمی‌شود. این اتلاف منابع به صورت غیرمستقیم منافع کل جامعه را متأثر خواهد ساخت.

ولی اگر همین بانک‌ها تصمیمات اعتباردهی نادرستی داشته باشند، به صورت غیرمستقیم سهامداران بانک‌ها که در بازار بورس هستند و کل جامعه متضرر می‌شوند (S0413).

### سایر دلایل

در ارتباط با امکانات و محدودیت‌های واحدهای کوچک و متوسط و نقش به‌کارگیری یک مجموعه استاندارد حسابداری مجزا برای این واحدهای تجاری متناسب با ویژگی‌های آن‌ها، نظر کلیه مصاحبه‌شوندگان مثبت بوده و معتقدند که میان این

واحدهای تجاری با واحدهای بزرگ از حیث امکانات و ظرفیت‌ها تفاوت وجود دارد و به‌کارگیری یک مجموعه استاندارد برای کلیه این واحدهای تجاری صرف نظر از اندازه آن‌ها، رویکرد مناسبی نیست.

شاید برای استفاده‌کننده، ارائه اطلاعات اضافی مسأله‌ای نداشته باشد. مثلاً شما به من یک روزنامه می‌دهید که حاوی چندین موضوع است و من قسمت ورزشی که به آن علاقه‌مند هستم انتخاب و مطالعه می‌کنم. بانک هم دقیقاً همینطور است. اطلاعات مورد نیاز خود را از بین انبوه اطلاعات انتخاب می‌کند و استفاده می‌کند ولی اینجا کار برای خود SME سخت می‌شود که باید این اطلاعات را تهیه و ارائه کند (S0116).

با توجه به وجود ارتباط میان سه تم "شرایط سیاسی"، "فعالیت بین‌المللی شرکت‌ها" و "رویکرد سازمان حسابرسی"، به صورت همزمان در مورد آن‌ها توضیحاتی ارائه می‌گردد. بر اساس نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، واحدهای کوچک و متوسط رابطه بین‌المللی بسیار محدودی دارند. بخشی از این واحدهای تجاری برای واردات مواد اولیه یا ماشین‌آلات خود دارای رابطه بین‌المللی هستند. ولی برای این امور نیازی به ارائه صورت‌های مالی به کشور مبدأ (تأمین‌کننده خارجی) ندارند. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که این شرکت‌ها دارای رابطه بین‌المللی چندانی که نیازی به ارائه صورت‌های مالی باشد، ندارند.

برخی معتقدند با توجه به شرایط سیاسی موجود در کشور و تحریم‌ها، مسأله رابطه بین‌المللی شرکت‌ها با سایر کشورهای جهان نه تنها برای شرکت‌های کوچک و متوسط، بلکه برای شرکت‌های بزرگ نیز با محدودیت و چالش همراه خواهد بود. لذا استدلال آن‌ها این است که به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی کمک چندانی به بهبود روابط بین‌المللی نخواهد کرد. با این وجود، نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش، عکس استدلال مذکور می‌باشد.

دلایل مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان در جهت حمایت از به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، برخلاف عدم وجود رابطه بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط، به شرح زیر است:

۱. برطرف کردن مشکلات و چالش‌های استانداردهای بین‌المللی در سال‌های جاری به منظور فراهم شدن زمینه‌های لازم ارتباطات بین‌المللی در سال‌های آتی در صورت رفع موانع و تحریم‌ها.
۲. عدم وابستگی رویکرد سازمان حسابرسی در تدوین استانداردها به شرایط سیاسی و روابط بین‌المللی (با توجه به این‌که رویکرد سازمان از ابتدا در راستای هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی بوده است).

۳. تسهیل به کارگیری استانداردهای بین‌المللی برای واحدهای کوچک و متوسطی که در کشور محل فعالیت‌شان، استانداردهای کامل بین‌المللی بکارگرفته می‌شود، صرفنظر از وجود رابطه بین‌المللی برای آن‌ها.

۴. بالا رفتن شفافیت مالی واحدهای کوچک و متوسط با به کارگیری این استانداردها، صرفنظر از وجود رابطه بین‌المللی برای آن‌ها.

من معتقدم که اگر IFRS باعث شفافیت می‌شود دیگر نباید به تحریم و شرایط بین‌المللی کار داشته باشیم (S0326).

دلیل آخر بیان شده توسط مصاحبه‌شوندگان، چارچوب نظری مشترکی است که نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی با نسخه‌ی کامل آن دارد. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، با توجه به این که در چارچوب نظری استانداردهای بین‌المللی تأکید زیادی بر ارائه اطلاعات سودمند به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان شده است، در واحدهای تجاری کوچک و متوسط هم که بانک‌ها به عنوان ذی‌نفع اصلی این واحدهای تجاری می‌باشند، به کارگیری استانداردهای حسابداری با چارچوب نظری مشابه نسخه کامل می‌تواند در جهت رفع نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان اصلی واحدهای تجاری کوچک و متوسط موثر باشد. همچنین با توجه به این که در چارچوب نظری بیان شده است که در صورت رفع نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان، نیازهای اطلاعاتی سایر ذی‌نفعان هم برطرف خواهد شد، لذا از این جهت نیز می‌توان اطمینان داشت که با به کارگیری این چارچوب نظری و استانداردهای تدوین شده بر اساس آن، نیازهای اطلاعاتی سایر ذی‌نفعان واحدهای کوچک و متوسط نیز برطرف خواهد شد.

موضوعی که نقطه قوت این استانداردها است، چارچوب نظری مشترکی است که با استانداردهای بین‌المللی دارد. دلیل آن هم این است که در چارچوب نظری مشترک بیان شده که هدف اصلی، تأمین نیازهای اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان است و در صورتی که نیازهای اطلاعاتی آن‌ها پوشش داده شود، نیازهای اطلاعاتی سایر ذی‌نفعان هم پوشش داده خواهد شد (PM0625).

ملاحظات هزینه-فایده که به عنوان یکی از دلایل توسط مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است، به این موضوع اشاره دارد که فایده به کارگیری این استانداردها بر هزینه‌های آن فزونی داشته و لذا از این نظر به کارگیری این استانداردها توجیه دارد.



هزینه-فایده به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی واحدهای تجاری کوچک و متوسط در جدول ۴ نتایج حاصل از تحلیل تم بر اساس منافع و هزینه‌های به‌کارگیری این استانداردها، ارائه شده است.

جدول ۴. منافع و هزینه‌های به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی واحدهای تجاری کوچک و متوسط

کدها	دسته‌های مفهومی	تم فرعی	تم اصلی
T0102, T0103, T0416, T0411, PM0402, PM0604, PM0305, PM1102, PM1107, PM1108, PM0603, PM0403	هزینه بروزرسانی سیستم‌های مالی	تهیه اطلاعات مالی	واحد تجاری
T0101, T0203, T0303, T0410, T0415, T0512, T0614, T0513, PM0304, S0201, S0503, PM0401, PM1303, PM1104, PM1105, PM1206, S0302	هزینه آموزش پرسنل		
T0304, T0301, T0510, T0307, T0412, T0414, S0103, S0104, PM1305, S0301, PM0801, PM1301	هزینه و زمان لازم جهت تطبیق با استانداردهای جدید		
T0104, T0302, T0506, PM0602, PM0101, PM0102	هزینه‌های مربوط به تعیین ارزش منصفانه		
T0511, T0413, S0504, PM1106	هزینه‌های دریافت مشاوره‌های مالیاتی		
T0105, PM1302, PM1101, PM1103	کاهش هزینه حسابرسی		
T0613, T0305, S0505, PM0202	افزایش کارایی واحد مالی		
T0516, T0514, T0606, T0509, PM1304, PM0201, PM0502, PM0606, PM1001, PM0103	الزامات شناخت و اندازه‌گیری ساده		
T0515, T0505, T0607, T0309, T0507, T0508, T0605, PM0501, PM0605, PM0702, PM1002, PM0405, PM0301, PM1201, PM1202, PM1203, PM1204	کاهش الزامات افشاء		
T0611, T0608, PM1205, PM0302	بهبود قابلیت فهم استانداردها		
T0202, T0402, T0306, T0603, T0406, T0609, PM0902, PM0904, PM0903, PM0701	فرصت‌های تأمین مالی داخلی	دستیابی به فرصت‌های بیش‌تر تأمین مالی	
T0405, T0109, T0409, T0501, T0408, T0407, PM0503, S0501	فرصت‌های تأمین مالی بین‌المللی		
T0308, PM0803, PM0203, PM0303, PM0406, PM0804		بهبود کارایی	مؤسسات حسابرسی
PM1005, S0303	هزینه‌های آموزش و برگزاری همایش‌ها	هزینه‌های معرفی استانداردها	سازمان حسابرسی
T0204, T0205, PM1401, PM1402, PM1004, PM1003	کاهش هزینه‌های تدوین استانداردها	مزیت برون سپاری استانداردها	
T0602, T0610, T0612, PM1404, PM1403, PM0601	کاهش هزینه‌های بروزرسانی استانداردها		ذی نفعان و جامعه
T0106, T0401, S0101, S0102, PM0308, PM0307		بهبود شفافیت اطلاعات	
T0604, T0403, T0108, T0503		بهبود قابلیت مقایسه‌ی اطلاعات	
T0504, T0404, T0107, PM0703		بهبود قابلیت اتکا اطلاعات	
T0502, T0110, PM0704, PM0901, PM0404		افزایش مربوط بودن اطلاعات	فزونی منافع بر هزینه‌ها
T0201, S0401, PM0802, PM1306, PM0306	فزونی منافع بر هزینه‌ها در بلندمدت	منافع بلندمدت	
T0601, S0502	سهولت انطباق‌پذیری SMEها		

به‌کارگیری مجموعه واحد استاندارد حسابداری برای نخستین بار، منافع و هزینه‌های خاص خود را به همراه دارد. این بخش از پنج تم اصلی "واحد تجاری"، "مؤسسات حسابرسی"، "سازمان حسابرسی"، "ذی نفعان و جامعه" و "فزونی منافع بر هزینه‌ها" تشکیل شده است. چهار تم اصلی اول، منافع و هزینه‌های به‌کارگیری این استانداردها را بر اساس

اشخاص و نهادهای متأثر از این استانداردها طبقه‌بندی کرده است. تم آخر نیز "ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌های به کارگیری این استانداردها" را در خود جای داده است.

شاید به کارگیری یک مجموعه جدید نیازمند بروزرسانی‌هایی در این مورد باشد. با توجه به این که قواعد حسابداری و مالیاتی در برخی از موارد با یکدیگر همخوانی ندارد (مثلاً در مورد نرخ‌های استهلاك دارایی‌های ثابت)، نیازمند این هستیم که یک زیر سیستم در سیستم‌های موجود ایجاد کنیم یا مثلاً اطلاعات را بر اساس هر دو مبنای نگهداری کنیم (PM1102).

وجود این استانداردها با شفافیتی که با خود به همراه خواهند آورد باعث خواهد شد که اعتماد بانک‌ها به صورت‌های مالی این شرکت‌ها برگشته و از صورت‌های مالی آن‌ها بیشتر در تصمیمات اعتباردهی خودشان استفاده کنند (PM0903).

این موضوع به حسابرس‌ها هم کمک می‌کند. چون تکلیف حسابرسان هم مشخص می‌شود که این شرکت کوچک و متوسط را با حساسیت کمتری در مقایسه با شرکت‌های بزرگ و بورسی مثلاً در مورد افشائیات آن بررسی کنند (PM0406).

مصاحبه‌شوندگان معتقدند که در مجموع منافع به کارگیری این استانداردها بر هزینه‌های آن فزونی دارد و از این حیث نیز به کارگیری این استانداردها دارای توجیه اقتصادی است. مصاحبه‌شوندگان در استدلال‌های خود موارد زیر را اشاره کرده‌اند.

موضوع اول مربوط به این است که بررسی منافع و هزینه‌های این استانداردها را باید بر اساس دید بلندمدت بررسی کرد. به این معنا که شاید در کوتاه‌مدت هزینه‌های اشاره شده کمی بیشتر از منافع آن به نظر برسد ولی در بلندمدت منافع این استانداردها برای کلیه ذی‌نفعان و جامعه در مقیاس کل مشخص خواهد شد و وزن منافع در مقایسه با هزینه‌ها در بلندمدت فزونی پیدا خواهد کرد.

موضوع دوم، بحث منافع بلندمدت به کارگیری این استانداردها برای برخی واحدهای کوچک و متوسطی خواهد بود که در حال رشد هستند و در آینده قصد ورود به بازار شرکت‌های بزرگ را خواهند داشت. به کارگیری این استانداردها، آن‌ها را با مفاهیم گزارشگری بین‌المللی مالی آشنا خواهد کرد و به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای این شرکت‌ها خواهد بود که بعد از ورود به حوزه شرکت‌های بزرگ از حیث به کارگیری استانداردهای با الزامات افشای بیشتر و الزامات اندازه‌گیری پیچیده‌تر مشکل‌چندانی نداشته باشند.

در شرایط اقتصادی فعلی، هم برای شرکت‌های بزرگ به کارگیری نسخه کامل IFRS و

هم برای SMEها به‌کارگیری IFRS for SMEs و هم برای خود سازمان حسابرسی جهت تدوین این استانداردها هزینه آن از منافع بیشتر است. ولی اگر شرایط اقتصادی الآن را موقتی بدانیم و اصلاحات در آینده را محتمل در نظر بگیریم، منافع آن بیشتر خواهد شد (S0401).

### دامنه شمولیت استانداردها

در این بخش به بررسی نظرات مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با مناسب بودن تعریف هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری از واحدهای تجاری کوچک و متوسط و ارائه تعریف مناسب برای واحدهای کوچک و متوسط، جهت اهداف گزارشگری پرداخته می‌شود. جدول ۵ نتایج تحلیل تم را در این بخش نشان می‌دهد.

جدول ۵. دامنه شمولیت استانداردها

کدها	دسته‌های مفهومی	تم فرعی	تم اصلی
حوزه شمولیت استانداردها			
S0105, S0202, S0308, S0405, PM0204, PM0312, PM0314, PM0407, PM0409, PM0905, PM1008, PM1110, PM1405		معیار هیأت استانداردگذار بین‌المللی	معیارهای کیفی
S0203, S0204, S0307, S0510, S0511, S0512, PM0113, PM0205, PM0211, PM0315, PM0316, PM0416, PM0417, PM0418, PM0419, PM0508, PM0906, PM1013, PM1014, PM1111, PM1112, PM1312, PM1406	استانداردهای بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته	شرکت‌های فرعی زیرمجموعه شرکت‌های بورس	
S0304, PM0104, PM0313, PM1006, PM1109, T0522		گسترده‌گی معیارهای کیفی	
S0106, S0107, S0305, S0306, S0402, S0403, S0404, PM0408, PM0410, PM0411, PM0705, PM1007, PM1207, PM1208, PM1209, PM1307, T0517, T0518		نیازهای متفاوت ذینفعان بر اساس اندازه شرکت‌ها	معیارهای کمی
S0309, S0408, S0508, PM0110, PM0209, PM0310, PM0412, PM0609, PM0709, PM0808, PM1011, PM1310	درآمد عملیاتی	معیارهای مالی	
S0310, S0407, S0509, PM0111, PM0208, PM0309, PM0413, PM0608, PM0708, PM0810, PM1012, PM1311	مبلغ دارایی	معیارهای غیرمالی	
S0406, S0507, PM0112, PM0207, PM0311, PM0414, PM0607, PM0706, PM0809, PM1010, PM1309	تعداد کارکنان	ترکیب معیارهای کمی	
S0311, S0409, PM0105, PM0107, PM0108, PM0109, S0506, PM0106, PM0210, PM0505, PM0506, PM0507, PM0611, PM0612, PM0707, PM0805, PM0806, PM0807	تحقق حداقل دو معیار		
S0312, PM0206, PM0415, PM0504, PM0610, PM0710, PM1009, PM1308	اهمیت یکسان معیارها		

### معیارهای کیفی

به نظر همه مصاحبه‌شوندگان، باید از معیارهای کیفی هیأت استانداردگذار بین‌المللی (گزارشگری با اهداف عام و نداشتن مسئولیت پاسخگویی عمومی)، به عنوان جزء اصلی تعریف واحدهای کوچک و متوسط استفاده گردد. نداشتن مسئولیت پاسخگویی عمومی، یک بعد از ویژگی‌های واحدهای تجاری کوچک و متوسط، یعنی تعداد ذینفعان اندک این واحدهای تجاری را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر شرکت‌های دارای مسئولیت پاسخگویی

عمومی مثل شرکت‌های بورسی، دارای طیف وسیعی از ذی‌نفعان و فعالان بازار سرمایه هستند که از اطلاعات مالی این شرکت‌ها در تصمیمات خود استفاده می‌کنند. لذا به کارگیری این تعریف منجر می‌شود که شرکت‌های با تعداد ذی‌نفعان زیاد، از تعریف واحدهای کوچک و متوسط خارج گردند. همچنین گزارشگری با اهداف عام، بیانگر این است که واحد تجاری صرفاً برای اهداف داخلی گزارشگری نکرده و ذی‌نفعان برون‌سازمانی (حتی به تعداد اندک) دارد که برای آن‌ها صورت‌های مالی تهیه کند. وجود این معیار کیفی باعث می‌گردد که برخی از شرکت‌های بسیار خرد که الزامی به گزارشگری مالی برون‌سازمانی ندارند، از تعریف واحدهای کوچک و متوسط خارج شوند.

وقتی به جای *IFRS for SMEs* و *IFRS* را که محدودتر و با افشائیات کم‌تری می‌باشد، تصویب کرده‌اند، نگاه آن‌ها بحث گسترده‌تری استفاده کنندگان بوده است. به نظر شما تفاوت یک شرکت بورسی و غیربورسی در چیست؟ ذی‌نفعان و گستردگی آن‌هاست (PM1110). یکی معیار کیفی دیگر که به نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان حتماً باید در تعریف واحدهای کوچک و متوسط در نظر گرفته شود، واحدهای تجاری کوچک و متوسطی می‌باشند که زیرمجموعه شرکت‌های بورسی هستند.

همان‌طور که در بخش مبانی نظری بیان گردید، در صورت وجود دو مجموعه استاندارد مصوب و به کارگیری نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی توسط شرکت اصلی (بورسی) و نسخه واحدهای کوچک و متوسط توسط شرکت‌های فرعی، با توجه به برخی تفاوت‌های الزامات اندازه‌گیری بین این دو مجموعه از استاندارد، شرکت اصلی هنگام تهیه صورت‌های مالی تلفیقی با مشکل مواجه خواهد شد. راهکاری که مصاحبه‌شوندگان برای رفع این مشکل ارائه کرده‌اند، به کارگیری استانداردهای حسابداری بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته است که توسط نهاد استاندارد‌گذار بین‌المللی، مختص این واحدهای تجاری تدوین شده است. می‌توانیم معیارهای کیفی دیگر هم اضافه کنیم. مثلاً یک شرکت فرعی که زیر مجموعه شرکت بورسی است، اگر بخواهیم *SME* در نظر بگیریم و استاندارد *IFRS for SMEs* را برای به کارگیری به آن بدهیم، کار برای شرکت اصلی سخت خواهد شد. بنابراین این شرکت‌ها به نظر من باید از حوزه تعریف *SME* خارج شوند (PM0205).

یکی از محدودیت‌های مهمی که مصاحبه‌شوندگان نسبت به معیارهای کیفی در تعریف واحدهای کوچک و متوسط بیان کرده‌اند، گستردگی معیارهای کیفی می‌باشد.

تعریف ارائه شده توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بسیار کلی بوده و با توجه به این که از معیارهای کمی در تعریف خود استفاده نکرده است، طیف وسیعی از واحدهای کوچک و متوسط با اندازه‌های متفاوت در این تعریف قرار می‌گیرند. شرکت‌های زیادی وجود دارند که دارای مسئولیت پاسخگویی عمومی نیستند، ولی از نظر اندازه حتی از بسیاری از شرکت‌های بزرگ‌تر هستند ولی بر اساس تعریف ارائه شده توسط هیأت، به عنوان شرکت کوچک و متوسط طبقه‌بندی می‌شوند.

به نظر من رویکرد IASB در تعریف این واحدها یک رویکرد مبتنی بر اصول بوده که البته محل اعراب دارد چون خیلی دامنه این واحدها را باز گذاشته (PM0313).

ما بسیاری از شرکت‌های بزرگ در ایران به خصوص شرکت‌هایی که منتسب به افراد و نهادهای خاصی هستند داریم که سهامی نیستند ولی خیلی بزرگ هستند (PM1006).

بر اساس نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، نیازهای ذی‌نفعان واحدهای تجاری بر اساس اندازه آن‌ها متغیر است. به این معنا که انتظار ارائه اطلاعات برای شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک، متفاوت است و با توجه به این که بر اساس تعریف ارائه شده توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، برخی شرکت‌های بزرگ در طبقه شرکت‌های کوچک و متوسط قرار می‌گیرند و به تبع آن استانداردهای با سطح افشای پایین‌تری را بکار می‌گیرند، لذا انتظارات اطلاعاتی ذی‌نفعان شرکت‌های بزرگ را برآورده نکرده و به نظر مصاحبه‌شوندگان به دلیل اینکه اهمیت تصمیم‌گیری و تبعات آن برای یک شرکت بزرگ در مقایسه با یک شرکت کوچک متفاوت است، شرکت‌های بزرگ باید از تعریف واحدهای کوچک و متوسط جدا شوند.

برای تصمیمات اعتباردهی، با توجه به رقم بالاتر و ریسک بالاتری که بانک برای ارائه اعتبارات به یک شرکت بزرگ در مقایسه با یک شرکت کوچک متحمل می‌شود، به افشائیات و شفافیت بالاتری در صورت‌های مالی نیاز دارد. بنابراین به نظر من اگر بخواهیم یک تعریف کلی مثل تعریف IASB برای SMEها در نظر بگیریم و شرکت‌های بزرگ را از این تعریف خارج نکنیم، به مشکل خواهیم خورد (S0404).

با توجه به نظرات اکثریت مصاحبه‌شوندگان مبنی بر لزوم ارائه تعریفی از واحدهای کوچک و متوسط بر اساس معیار کیفی هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و اضافه کردن معیارهای کمی به این تعریف، در بخش بعد به این موضوع پرداخته می‌شود که چه معیارهای کمی باید به این تعریف اضافه گردد.

### معیارهای کمی

به نظر مصاحبه شوندگان معیارهای کمی که باید به تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط اضافه گردد، به دو گروه معیارهای مالی (شامل درآمد عملیاتی و مبلغ دارایی) و معیار غیرمالی (تعداد کارکنان) تقسیم می‌شود.

از دید مفهومی، وقتی می‌گوییم واحدهای کوچک و متوسط، ناخودآگاه این مفهوم برداشت می‌شود که از نظر اندازه هم این شرکت‌ها کوچک و متوسط هستند. حالاً این اندازه می‌تواند دارایی شرکت باشد (PM0309)، درآمد (PM0310) یا کارکنان (PM0311).

در ایران چند تعریف از واحدهای کوچک و متوسط داریم ولی متأسفانه تعریف دقیقی نیستند، چون فقط بر اساس معیار تعداد کارکنان است. هر چند که تعداد کارکنان هم معیار خوبی است، ولی کافی نیست (S0507) و باید از معیارهای دیگر مثل فروش (S0508) و دارایی‌ها (S0509) هم استفاده کرد.

بعد از مشخص شدن این که از چه معیارهای کمی باید در تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط استفاده شود، موضوع بعد دستیابی به ترکیب یا فرمول مناسبی از این معیارها کمی می‌باشد. بر اساس نظر مصاحبه‌شوندگان، باید فرمولی بر اساس معیارهای کمی ارائه کرد که شرکت‌های بزرگ از تعریف واحدهای کوچک و متوسط کنار گذاشته شوند. به این ترتیب باقیمانده شرکت‌ها که در این تعریف قرار نمی‌گیرند، شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. بر اساس نظرات ارائه شده، بهترین ترکیب، ترکیبی است که دو ویژگی زیر را داشته باشد:

۱. بین معیارهای کمی اولویتی قائل نشود. به دلیل این که هر کدام از معیارهای مالی و غیرمالی بخشی از ویژگی‌های واحدهای تجاری را نشان می‌دهند و نمی‌توان بین آن‌ها اولویتی تعیین کرد.

۲. حداقل دو معیار از سه معیار کمی را داشته باشد.

به نظر من وجود هر سه معیار خوب است و نمی‌توان اولویت بین آن‌ها تعیین کرد (PM0504). چون هر کدام در نوع خودشان مهم هستند ولی فرمول مناسب فرمولی نیست که وجود همزمان هر سه معیار بتواند معرف SME باشد (PM0505). مثال‌های نقض زیادی وجود دارد که یک شرکت در واقع بزرگ است ولی همه این سه معیار را با هم ندارد (PM0506).

از جمع‌بندی نظرات بیان شده، این نتیجه حاصل گردید که ابتدا باید اعدادی برای هر کدام از این سه معیار تعیین گردد، سپس هر شرکتی که تعداد کارکنان، یا مبلغ دارایی‌ها و یا درآمد عملیاتی آن‌ها از این اعداد بزرگ‌تر باشد، شرکت بزرگ محسوب می‌شود ولی با این شرط

که حداقل حائز دو معیار از سه معیار بیان شده باشد. یعنی در مورد دو معیار، اعداد شرکت، بزرگ‌تر از اعداد اعلام شده در تعریف باشد. با جدا شدن شرکت‌های بزرگ از این تعریف، باقیمانده شرکت‌ها، شرکت‌های کوچک و متوسط تلقی می‌گردند.

### استراتژی به‌کارگیری استانداردها

در این بخش به بررسی چهار استراتژی بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان پرداخته شده است. جدول ۶ نتایج تحلیل تم را در این بخش نشان می‌دهد.

جدول ۶. استراتژی به‌کارگیری استانداردها

تم اصلی	تم فرعی	دسته‌های مفهومی	کدها
استراتژی‌های به‌کارگیری استانداردها			
رویکرد الزام	قابلیت مقایسه داخلی اطلاعات		T0112, T0115, S0516, PM1313, T0111, S0315, PM0420, PM0421, PM0422
رویکرد اختیار	عدم توجه منع به‌کارگیری استانداردهای با الزامات بیش‌تر		S0313, S0109, PM1409
اختیار	قدرت انتخاب با توجه به نیازهای ذی‌نفعان		T0520, S0314, PM0213, PM0317, PM0318, PM0319, PM0320, PM0321, PM0322, PM0613, PM0711, PM0811, PM0909, PM0910, PM1019, PM1020, PM1021, PM1117
رویکرد بومی‌سازی	شرایط سیاسی و اقتصادی متفاوت کشورها		T0521 T0701 T0702 T0703 T0704 T0114 S0108 S0317 PM0212 PM0423 PM0509 PM0614 PM0812 PM0813 PM0907 PM1015 PM1017 PM1407 PM1408
	در نظر گرفتن ملاحظات تنوریک		PM0323, PM1016, PM1116, PM1210
	اعمال تعدیلات حداقلی		T0519, S0316, S0515, PM0324, PM1018, PM1115
	قابلیت مقایسه بین‌المللی اطلاعات		S0110, PM0510, PM0908 PM1114, S0513, S0514
	مجاز بودن ارائه برخی از جریان‌های نقدی بر مبنای خالص در صورت جریان وجوه نقد		PM1417, PM1230, PM1030, PM0823, PM0434, PM0226, S0421
	مجاز بودن به‌کارگیری روش سرمایه‌ای کردن برای مخارج توسعه		PM1029, PM0930, PM0826, PM0629, PM0334, PM0122, S0423, S0122
	شناسایی مخارج تحصیل ترکیب‌های تجاری به عنوان هزینه		PM1231, PM0929, PM0520, PM0435, PM0121, S0519, S0329, S0123
	به‌کارگیری روش ارزش ویژه در سرمایه‌گذاری در واحد تجاری وابسته		PM1420, PM0827, PM0630, PM0335, S0124, S0333, S0334
	مجاز بودن به‌کارگیری روش سرمایه‌ای کردن برای مخارج تأمین مالی		PM1031, PM1418, PM0825, PM0225, S0520, S0422, S0330
	حذف قسمت مربوط به پرداخت‌های مبتنی بر سهام		PM1419, PM0929, PM0628, PM0436, PM0333, PM0223, PM0120, S0518, S0328, S0121
حذف قسمت مربوط به ابزارهای مالی پیچیده		PM1032, PM0928, PM0824, PM0627, PM0521, PM0332, PM0224, S0517, S0420	
رویکرد عدم تعدیل	بهبود مستمر در تدوین استانداردها		S0205
تعدیل	تناقض با فلسفه استانداردهای بین‌المللی		T0113, PM0712, PM1113, PM1314

### رویکرد الزام و اختیار

بر اساس نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، بهترین استراتژی، به کارگیری رویکرد اختیار است. به نظر آن‌ها باید اختیار انتخاب از میان نسخه کامل و نسخه واحدهای کوچک و متوسط را به خود واحدهای کوچک و متوسط واگذار کند. برخی نیز طرفدار رویکرد الزام هستند.

شرکتی که بخواهد استاندارد با سطح افشای بالاتری بکار گیرد، ما نباید منع کنیم و فقط یک کف را باید مشخص کنیم (S0313).

شما یک اختیار را در ظاهر به شرکت می‌دهید و شرکت بر اساس تعاملات اقتصادی که با بازیگران مختلف خواهد داشت، دست به انتخاب خواهد زد (PM0321).

مصاحبه‌شوندگان معتقدند در صورتی که واحد تجاری کوچک و متوسط بنا به هر دلیلی قصد به کارگیری استانداردهای با سطح افشائات بالاتر را داشته باشد، لزومی به الزام آن واحد جهت به کارگیری نسخه ساده‌تر، یعنی نسخه واحدهای کوچک و متوسط استاندارد بین‌المللی نیست. همچنین در صورتی که ذی‌نفعان این واحدهای تجاری، از جمله سهامدار خارجی، بانک‌ها و در مورد شرکت‌هایی که قصد ورود به بازار سرمایه دارند، سازمان بورس، ارائه صورت‌های مالی بر اساس نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی را بخواهند، به کارگیری رویکرد اختیار موجب می‌شود که شرکت‌های کوچک و متوسط بر اساس اطلاعاتی که ذی‌نفعان می‌خواهند، یکی از این دو مجموعه استاندارد را انتخاب کند. در غیر این صورت، باید دو نسخه صورت‌های مالی، یکی بر اساس الزام سازمان حسابرسی و دیگری بر اساس الزام ذی‌نفعان، تهیه گردد که این موضوع باعث پیچیده‌تر شدن کار این واحدهای تجاری در امر تهیه صورت‌های مالی می‌گردد و با هدف اصلی استانداردهای بین‌المللی واحدهای کوچک و متوسط، یعنی ساده‌تر کردن کار تهیه صورت‌های مالی، در تناقض است.

در میان مصاحبه‌شوندگان صرفاً دو نفر معتقدند رویکرد الزام، رویکرد مناسب‌تری است.

من اختیار را خیلی مناسب نمی‌بینم چون قابلیت مقایسه از بین می‌رود (PM1313).

مخالفین معتقدند، در صورت به کارگیری رویکرد اختیار، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی مخدوش می‌گردد. به عبارت دیگر در صورتی که شرکت‌های کوچک و متوسط، اختیار در انتخاب یکی از این دو مجموعه استاندارد را داشته باشند، صورت‌های مالی تهیه شده توسط آن‌ها بر اساس استانداردهای حسابداری متفاوت و به تبع آن الزامات



اندازه‌گیری و افشا متفاوت خواهد بود. لذا قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آن‌ها با یکدیگر مخدوش می‌گردد. نظرات ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان (حامیان رویکرد اختیار) به این چالش به شرح زیر است:

۱. ویژگی کیفی قابلیت مقایسه از جمله ویژگی‌هایی می‌باشد که اهمیت آن برای واحدهای کوچک و متوسط و غیربورسی به مراتب کمتر از شرکت‌های بزرگ و بورسی می‌باشد. با توجه به این که بانک‌ها مهم‌ترین ذی‌نفع شرکت‌های کوچک و متوسط هستند، برای آن‌ها بررسی مقایسه‌ای اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها با یکدیگر اهمیت چندانی ندارد، بلکه هدف اصلی بانک بررسی اطلاعات خود شرکت و توانایی مالی آن به منظور بازپرداخت اقساط است. لذا از حیث قابلیت مقایسه، به‌کارگیری استراتژی اختیار مشکل اساسی ایجاد نخواهد کرد.

۲. با توجه به ساده‌تر بودن نسخه واحدهای کوچک و متوسط، اکثر واحدهای تجاری کوچک و متوسط تا زمانی که دلیل با اهمیتی مثل داشتن سهامدار خارجی نداشته باشند، نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی را بکار نمی‌گیرند، لذا از این حیث نیز می‌توان استدلال کرد که قابلیت مقایسه چندان مخدوش نخواهد شد. بر اساس موارد گفته شده، بهترین استراتژی از حیث الزام یا اختیار، به‌کارگیری استراتژی اختیار است.

### رویکرد بومی سازی و رویکرد عدم تعدیل

اکثر مصاحبه‌شوندگان موافق به‌کارگیری استراتژی تعدیل هستند. موافقین با این رویکرد معتقدند که اعمال تعدیلات در نسخه اصلی استاندارد بین‌المللی باید بر اساس شرایط سیاسی و اقتصادی کشورها، در نظر گرفتن ملاحظات تئوریک و اعمال تعدیلات حداقلی باشد.

در نظر داشته باشید که تدوین استانداردهای حسابداری بر اساس سه فاکتور تئوری حسابداری (PM1016)، شرایط اقتصادی و شرایط سیاسی است و به نظر من اگر در برخی موارد که با شرایط اقتصادی و سیاسی ما این استانداردها هماهنگی نداشت، می‌شود تعدیلاتی را اعمال کرد (PM1017).

در نقطه مقابل، استدلالی که مخالفین به‌کارگیری استراتژی تعدیل بیان می‌کنند این است که به‌کارگیری این استراتژی، مخالف فلسفه اصلی رویکرد استاندارد‌گذار بین‌المللی، یعنی دستیابی به زبان گزارشگری واحد است. همچنین آن‌ها معتقدند که رویکرد بهبود

مستمری که نهاد استاندارد‌گذار بین‌المللی در تدوین استانداردها داشته و به صورت ادواری نسخه‌های تجدیدنظر شده استانداردها را ارائه می‌کند، موجب خواهد شد که بسیاری از نقائص موجود در استانداردها برطرف گردد.

وقتی سراغ استانداردهای بین‌المللی رفته‌اند، به این دلیل بوده است که این صورت‌های مالی با کشورهای دیگر قابلیت مقایسه داشته باشد و تفسیرپذیر باشد و درک مشخصی از صورت‌های مالی ایجاد شود. مثلاً وقتی می‌گوییم دارایی ثابت، هر فردی که در هر کشوری وجود دارد یک درک مشخص از الزامات اندازه‌گیری آن داشته باشد. در واقع فلسفه اصلی استاندارد‌گذار بین‌المللی یکسان سازی بوده است (PM1114).

مصاحبه‌شوندگان موافق رویکرد تعدیل در پاسخ به این ابهامات، دلایل زیر را بیان کرده‌اند:

۱. اکثر این واحدهای تجاری در ایران و یا در سایر کشورهای جهان، یا به هیچ عنوان فعالیت بین‌المللی ندارند و یا فعالیت بین‌المللی بسیار محدودی دارند. بنابراین فلسفه زبان گزارشگری واحد در مورد این واحدهای تجاری در مقایسه با واحدهای تجاری بزرگ اهمیت کم‌تری دارد.

۲. واحدهای تجاری کوچک و متوسط با توجه به گستردگی آن‌ها و شرایط متفاوت اقتصادی و سیاسی کشور محل فعالیتشان، ممکن است شرایط متفاوتی داشته باشند. لذا در صورتی که تعدیلات حداقلی اعمال کنیم، ضمن در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و سیاسی در تدوین استانداردها، قابلیت مقایسه اطلاعات هم‌چندان مخدوش نخواهد شد.

۳. رویکرد بهبود مستمری که نهاد استاندارد‌گذار بین‌المللی در فرآیند تدوین استانداردها دارد، صرفاً نقایص موجود در استانداردها را برطرف خواهد کرد و شرایط سیاسی و اقتصادی برخی کشورها پوشش داده نمی‌شود.

۴. بر اساس بیانیه‌های منتشر شده توسط نهاد استاندارد‌گذار بین‌المللی، با توجه به طیف گسترده واحدهای تجاری کوچک و متوسط و شرایط اقتصادی و سیاسی متفاوت کشورها، اعمال تعدیلات در برخی مفاد استانداردها مجاز اعلام شده است. ضمن این‌که برخی از کشورها نیز این تعدیلات را اعمال کرده‌اند.

از جمع بندی مطالب بیان شده می‌توان نتیجه‌گیری کرد که به کارگیری استراتژی

تعدیل رویکرد مناسبی می‌باشد.

### موارد تعدیل

در این بخش نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره‌ی تفاوت‌های با اهمیت موجود میان نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی و نسخه واحدهای کوچک و متوسط (تفاوت‌های مربوط به الزامات اندازه‌گیری و شناخت) اخذ شده است. تفاوت‌های الزامات اندازه‌گیری میان این دو مجموعه از استاندارد در قالب یک چک لیست تهیه گردیده و در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شده است. سپس از مصاحبه‌شوندگان درخواست گردیده که نظرشان را در ارتباط با این تفاوت‌ها بیان کرده و در مواردی که به نظر آن‌ها باید تعدیلی اعمال گردد، بیان کنند. در جدول ۷ به صورت خلاصه دلایل ارائه شده توسط مصاحبه‌شوندگان در مخالفت با برخی تفاوت‌های موجود میان این دو مجموعه استاندارد ارائه شده است.

جدول ۷. موارد نیازمند تعدیل در استانداردهای بین‌المللی واحدهای کوچک و متوسط

دلایل	موارد نیازمند تعدیل
<ul style="list-style-type: none"> <li>مناسب بودن به کارگیری روش خالص در مواردی که استاندارد IFRS بیان کرده</li> <li>عدم توجه به کارگیری این بند با توجه به عدم تأثیر در ساده‌تر شدن به کارگیری آن</li> </ul>	<p>در نسخه واحدهای کوچک و متوسط، گزارشگری جریان‌های نقدی در صورت جریان وجوه نقد به صورت ناخالص می‌باشد در صورتی که در نسخه کامل، ارائه برخی از جریان‌های نقدی بر مبنای خالص مجاز است.</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>عدم ایجاد انگیزه برای مدیران واحدهای کوچک و متوسط نسبت به انجام مخارج تحقیق و توسعه با توجه به کاهش سود واحد تجاری در سال انجام هزینه و متأثر شدن پاداش مدیران</li> <li>اهمیت مخارج تحقیق و توسعه برای برخی از این واحدها با توجه به ماهیت فعالیت آن‌ها و به تبع آن اهمیت نحوه حسابداری صحیح آن</li> </ul>	<p>در نسخه واحدهای کوچک و متوسط، مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه شناسایی می‌گردد در حالی که در نسخه کامل شناسایی هزینه توسعه تحت شرایطی به عنوان دارایی نامشهود مجاز است.</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>محاسبه‌ی صحیح مبلغ سرقفلی</li> <li>عدم تأثیر این بند در ساده‌تر شدن کار برای این واحدهای تجاری</li> <li>تجدید نظر هیأت در استانداردهای IFRS for SMEs در این مورد در سال ۲۰۲۰ (نسخه پیش‌نویس)</li> </ul>	<p>در استاندارد ترکیب‌های تجاری، دیدگاه نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی این است که مخارج تحصیل به عنوان هزینه شناسایی گردد، در صورتی که دیدگاه نسخه واحدهای کوچک و متوسط این است که در بهای تحصیل سرمایه‌گذاری گنجانده شود.</p>

<ul style="list-style-type: none"> <li>• پیچیده نبودن به کارگیری روش ارزش ویژه برای حسابداری سرمایه‌گذاری در واحد تجاری وابسته</li> <li>• دورتر کردن اعداد حسابداری از واقعیت با توجه به انتخاب روش بهای تمام شده توسط اکثر این واحدهای تجاری در صورت دادن اختیار به آنها نسبت به به کارگیری یکی از این سه روش</li> <li>• عدم استفاده از روش ارزش منصفانه با توجه به پیچیدگی‌های به کارگیری آن در این واحدهای تجاری و با توجه به شرایط ایران</li> <li>• افزایش انعطاف پذیری در حسابداری</li> </ul>	<p>در ارتباط با روش اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری در واحد تجاری وابسته، بر اساس استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط، تحت شرایطی به کارگیری یکی از روش‌های بهای تمام شده، ارزش ویژه و ارزش منصفانه مجاز است، در صورتی که در نسخه کامل تنها روش مجاز، روش ارزش ویژه است.</p>
<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم انعکاس صحیح مبلغ هزینه بهره در صورت‌های مالی شرکت‌ها با توجه به میزان تسهیلات‌گیری بالای برخی شرکت‌ها در شرایط تورمی ایران</li> <li>• عدم فزونی منافع (ساده شدن استاندارد) بر هزینه به کارگیری آن (عدم انعکاس صحیح هزینه بهره) با توجه به با اهمیت بودن مبلغ آن در برخی از شرکت‌ها در ایران</li> </ul>	<p>در ارتباط با روش اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری در واحد تجاری وابسته، بر اساس استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط، تحت شرایطی به کارگیری یکی از روش‌های بهای تمام شده، ارزش ویژه و ارزش منصفانه مجاز است، در صورتی که در نسخه کامل تنها روش مجاز، روش ارزش ویژه است.</p>

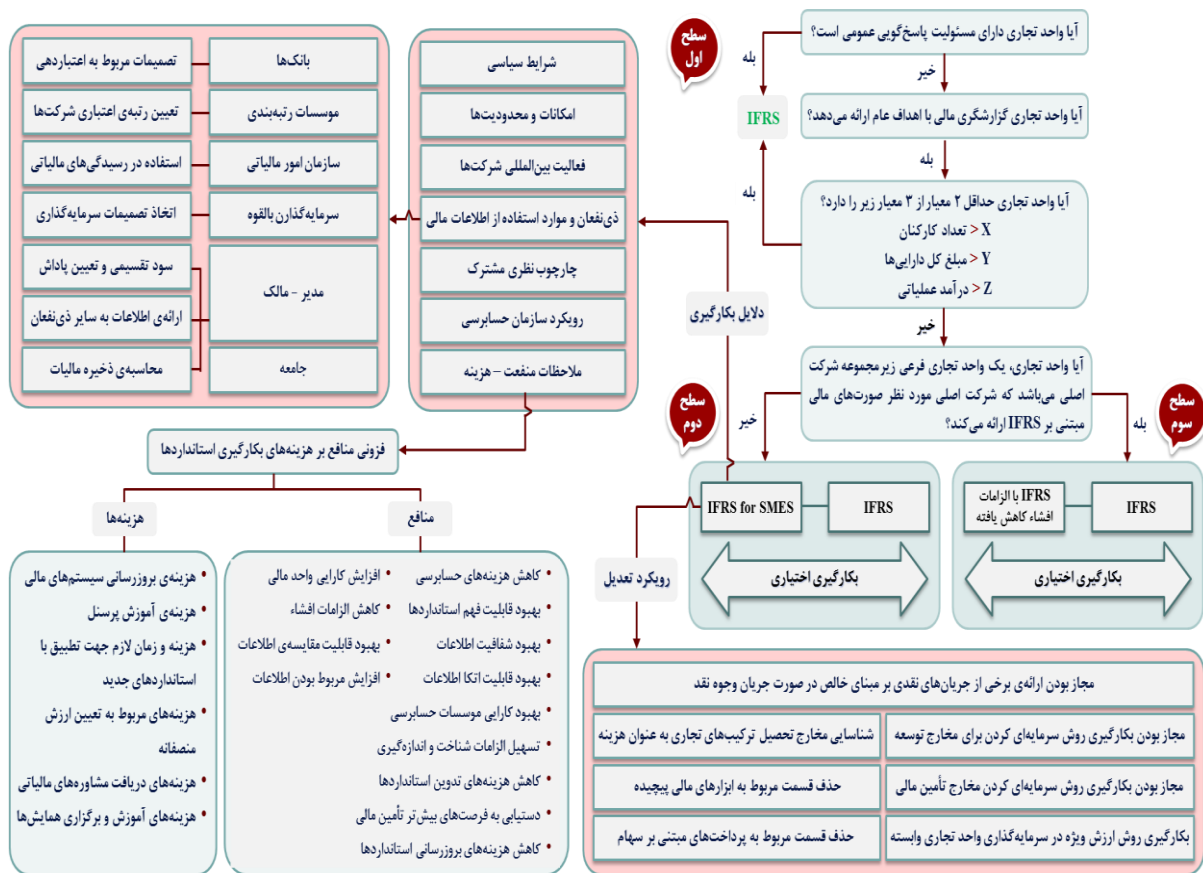
همچنین مصاحبه‌شوندگان معتقدند که از میان ۳۵ فصل استانداردهای واحدهای کوچک و متوسط، بخش مربوط به پرداخت‌های مبتنی بر سهام و بخش ابزارهای مالی پیچیده، با توجه به عدم کاربرد در واحدهای کوچک و متوسط در ایران، باید حذف گردد.

در نهایت و پس از بررسی و تحلیل کامل تم‌ها، شکل ۱ به عنوان خروجی بخش کیفی این پژوهش ارائه شده است. همان‌طور که در شکل نشان داده شده است، بر اساس نتایج تحلیل تم که در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است، یک رویکرد سه سطحی برای گزارشگری واحدهای تجاری کوچک و متوسط پیشنهاد می‌گردد. بدین صورت که اگر واحد تجاری دارای مسئولیت پاسخگویی عمومی باشد، باید از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی تبعیت کند (سطح اول). در غیر این صورت اگر واحد تجاری گزارشگری مالی با اهداف عام داشته باشد و

معیارهای کمی واحدهای تجاری بزرگ را احراز نکند، واحد تجاری کوچک و متوسط قلمداد می‌گردد. بر این اساس اگر این واحد تجاری کوچک و متوسط زیرمجموعه یک واحد تجاری اصلی باشد که صورت‌های مالی مبتنی بر نسخه کامل ارائه می‌کند، می‌تواند از میان نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی و مجموعه استانداردهای بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته انتخاب کند (سطح سوم). سایر واحدهای کوچک و متوسط می‌توانند از میان نسخه واحدهای کوچک و متوسط و نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی انتخاب کنند (سطح دوم). همچنین هفت مورد تعدیل که نیازمند اعمال و بومی‌سازی استانداردهای بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط می‌باشد، در شکل ۱ ارائه شده است.

قسمت دیگری از شکل (سمت چپ) توجیه و امکان‌سنجی به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی واحدهای کوچک و متوسط را نشان می‌دهد که بر اساس نتایج تحلیل تم جداول ۳ و ۴ ارائه شده است. به عبارت دیگر در شکل توجیه به‌کارگیری این استانداردها از نظر ذی‌نفعان این واحدهای تجاری، ملاحظه‌ی فزونی منافع بر هزینه‌ها و سایر عوامل ارائه شده، که توضیحات کامل هر کدام از این عوامل در بخش تحلیل تم به صورت جداگانه بیان شده است.

شکل ۱. چارچوب مفهومی به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی واحدهای کوچک و متوسط



## بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، به بررسی امکان‌سنجی به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط پرداخته شد و به هشت سوال پاسخ داده شد. در ارتباط با سوال نخست پژوهش، بانک‌ها، موسسات رتبه‌بندی، مدیر-مالک، سازمان امور مالیاتی، سرمایه‌گذاران بالقوه و جامعه به عنوان اسفاده‌کنندگان از اطلاعات صورت‌های مالی واحدهای کوچک و متوسط شناسایی شدند.

❖ بانک‌ها که مهم‌ترین ذی‌نفع این واحدهای تجاری بیان شده‌اند، از این اطلاعات در تصمیمات مربوط به اعتباردهی استفاده می‌کنند. وجود استانداردهای متناسب با ویژگی‌های این واحدهای تجاری به گونه‌ای که منجر به ارائه صورت‌های مالی با کیفیت گردد، می‌تواند در تصمیمات اعتباری اتخاذ شده توسط بانک‌ها نقش موثری داشته باشد.

❖ موسسات رتبه‌بندی از اطلاعات این واحدهای تجاری در تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها استفاده می‌کنند. با توجه به این که از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی مورد استفاده توسط این موسسات در تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها، اطلاعات صورت‌های مالی آن‌ها می‌باشد، لذا وجود استانداردهای حسابداری مختص این واحدهای تجاری که منجر به صورت‌های مالی با کیفیت بالایی گردد، می‌تواند نقش موثری را در فرآیند تعیین رتبه اعتباری شرکت‌ها داشته باشد.

❖ مدیرانی که عمدتاً مالکیت این شرکت‌ها را به عهده دارند، از اطلاعات صورت‌های مالی در محاسبه ذخیره مالیات، تعیین سود تقسیمی و پاداش و ارائه اطلاعات به سایر ذی‌نفعان چون سازمان امور مالیاتی و بانک‌ها استفاده می‌کنند.

❖ سازمان امور مالیاتی از صورت‌های مالی این واحدهای تجاری در رسیدگی‌های مالیاتی، بیش‌تر به عنوان مبنایی جهت شروع رسیدگی‌های خود استفاده می‌کند و در غالب موارد از سایر منابع اطلاعاتی و رسیدگی‌های میدانی و بر اساس قواعد و رویه‌های خود نسبت به تعیین درآمد مشمول مالیات، مالیات تشخیصی و قطعی اقدام می‌کند. لذا هر چند به عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی صورت‌های مالی واحدهای تجاری کوچک و متوسط محسوب می‌شوند، ولی به صورت گسترده و عمیق از اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی برای اهداف مالیات‌ستانی استفاده نمی‌کنند.

❖ سرمایه‌گذاران بالقوه در تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری در این واحدهای تجاری از اطلاعات صورت‌های مالی در کنار سایر منابع اطلاعاتی، به منظور بررسی روند

سودآوری و وضعیت مالی شرکت استفاده می‌کنند. وجود استانداردهایی که منجر به ارائه‌ی صورت‌های مالی متناسب با ویژگی‌های این واحدهای تجاری گردد، می‌تواند در انجام این تصمیمات موثر باشد.

❖ در نهایت، جامعه نیز به عنوان یکی از ذی‌نفعان این واحدهای تجاری به صورت غیرمستقیم متأثر خواهد شد. تصمیمات سایر ذی‌نفعان از جمله بانک‌ها در تصمیمات اعتباری به این واحدهای تجاری، منافع کل جامعه را به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر اگر بانک‌ها در تصمیمات اعتباردهی خود به این شرکت‌ها، بر اساس اطلاعات نادرست ارائه شده توسط شرکت به آن‌ها اشتباه کنند، منابع آن‌ها در امور مولد و با بازدهی بالا تخصیص داده نمی‌شود. این اتلاف منابع به صورت غیرمستقیم منافع کل جامعه را متأثر خواهد ساخت.

در ارتباط با سوال ضرورت به کارگیری این استانداردها از منظر ذی‌نفعان این واحدهای تجاری (سوال ۲)، نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که به کارگیری این استانداردها برای بانک‌ها به عنوان مهم‌ترین ذی‌نفع این واحدهای تجاری، نقش موثری دارد. همچنین نتایج از نظر اثر این استانداردها بر سایر ذی‌نفعان از جمله موسسات رتبه‌بندی، مدیران - مالک، سرمایه‌گذاران و جامعه بیان‌گر موثر بودن به کارگیری این استانداردها است. در مورد سازمان امور مالیاتی به عنوان یکی دیگر از ذی‌نفعان اصلی این واحدهای تجاری، تفاوت چندانی میان به کارگیری این استانداردها و نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی وجود ندارد. نتایج پژوهش در ارتباط با بانک‌ها، مدیران - مالک و سازمان امور مالیاتی به عنوان ذی‌نفعان واحدهای کوچک و متوسط با نتایج پژوهش‌های کارسبرگ و همکاران (۱۹۸۵)، بارکر و نونان (۱۹۹۶)، مینگات و زقال (۱۹۹۶)، کولیس و همکاران (۲۰۱۷) و سیان و روبرتز (۲۰۰۹) مطابقت دارد.

در پاسخ به سوال ملاحظه فزونی منافع بر هزینه‌های به کارگیری این استانداردها (سوال ۳)، نتایج بیان‌گر این است که منافع بر هزینه‌های به کارگیری از بعد کمی و کیفی فزونی داشته و از این جهت نیز قابل توجه است. همچنین هزینه‌ها و منافع به کارگیری در جدول ۴ گردید. نتایج پژوهش در ارتباط با برخی از هزینه‌ها و منافع به کارگیری این استانداردها با نتایج پژوهش‌های کایا و کوچ (۲۰۱۵)، چاند و همکاران (۲۰۱۵)، اویار و گانگورموس (۲۰۱۳) و آلبو و همکاران (۲۰۱۳) در تطابق است.

همچنین در ارتباط با سوال سایر مولفه‌های دیگر توجیه‌کننده این استانداردها (سوال



۴)، عوامل سیاسی، فعالیت‌های بین‌المللی، رویکرد سازمان حسابرسی، چارچوب نظری مشترک و امکانات و محدودیت‌ها این واحدهای تجاری شناسایی گردید که بر اساس کلیه این عوامل، به‌کارگیری این استانداردها قابل توجیه می‌باشد.

نتایج پژوهش در پاسخ به سوال مناسب بودن معیار کیفی هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی در تعریف واحدهای کوچک و متوسط و لزوم تعدیل در تعریف این واحدها و دامنه‌ی شمولیت این استانداردها (سوال ۵)، بیان‌گر آن است که باید از معیارهای کیفی هیأت استانداردگذار بین‌المللی (گزارشگری با اهداف عام و نداشتن مسئولیت پاسخگویی عمومی)، به‌عنوان جزء اصلی تعریف واحدهای کوچک و متوسط استفاده گردد. نتایج این قسمت با نتایج تحقیق ایرلی و هالر (۲۰۰۹) و دی‌پیترا و همکاران (۲۰۰۸) مطابقت دارد. یک معیار کیفی دیگر که حتماً باید در تعریف واحدهای کوچک و متوسط در نظر گرفته شود، واحدهای تجاری کوچک و متوسطی می‌باشند که زیرمجموعه شرکت‌های هلدینگ بوده و آن شرکت هلدینگ از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی استفاده می‌کند. برای این گروه از واحدهای کوچک و متوسط باید یا از نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی یا از استانداردهای بین‌المللی با الزامات افشای کاهش یافته استفاده کرد.

نتایج نشان می‌دهد یکی از محدودیت‌های مهم معیارهای کیفی در تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط، گستردگی معیارهای کیفی می‌باشد. تعریف ارائه شده توسط هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری بسیار کلی بوده و با توجه به این که از معیارهای کمی در تعریف خود استفاده نکرده است، طیف وسیعی از واحدهای کوچک و متوسط با اندازه‌های متفاوت در این تعریف قرار می‌گیرند. همچنین نیازهای ذی‌نفعان واحدهای تجاری بر اساس اندازه آن‌ها متغیر است. بنابراین می‌توان این گونه نتیجه‌گیری کرد که تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط بر اساس معیار کیفی هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، یک شرط لازم است ولی کافی نیست. لذا به منظور کامل کردن این تعریف، باید از معیارهای کمی استفاده کرد.

بر اساس نتایج، بهترین معیارهای کمی، تعداد کارکنان، درآمد عملیاتی و دارایی‌های شرکت می‌باشد. همچنین در ارتباط با این موضوع که چگونه و با چه فرمولی این معیارهای کمی در تعریف واحدهای کوچک و متوسط قرار داده شوند، نتایج بیان‌گر آن است که بهترین فرمول، فرمولی است که شرکت‌های بزرگ را از تعریف واحدهای کوچک و متوسط کنار بگذارد. به این ترتیب باقیمانده شرکت‌ها که در این تعریف قرار نمی‌گیرند، شرکت‌های کوچک و متوسط هستند. بر اساس نظرات ارائه شده، بهترین ترکیب، ترکیبی است که اولاً

اولیاتی را بین معیارهای کمی قائل نشود و ثانیاً حداقل دو معیار از سه معیار کمی را داشته باشد. بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که ابتدا باید اعدادی برای هر کدام از این سه معیار تعیین گردد، سپس هر شرکتی که تعداد کارکنان، یا مبلغ دارایی‌ها و یا درآمد عملیاتی آن‌ها از این اعداد بزرگ‌تر باشد، شرکت بزرگ محسوب می‌شود ولی با این شرط که حداقل حائز دو معیار از سه معیار بیان شده باشد. یعنی در مورد دو معیار، اعداد شرکت بزرگ‌تر از اعداد اعلام شده در تعریف باشد. با جدا شدن شرکت‌های بزرگ از این تعریف، باقیمانده شرکت‌ها، شرکت‌های کوچک و متوسط تلقی می‌گردند.

در پاسخ به سوال به کارگیری استراتژی بومی سازی یا عدم تعدیل (سوال ۶)، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهترین استراتژی، به کارگیری استراتژی بومی سازی این استانداردها می‌باشد، مشروط بر این که این تعدیلات به صورت حداقلی و با در نظر گرفتن مبانی تئوریک پشتوانه هر استاندارد اعمال گردد. نتایج این قسمت با نتایج تحقیقات انجام شده توسط چاند و همکاران (۲۰۱۵)، آلبو و همکاران (۲۰۱۳)، آبوگه و آگیبر (۲۰۱۲) و اسکاتی و بایز (۲۰۱۱) مطابقت دارد.

همچنین نتایج تحقیق در ارتباط با مواردی که استانداردهای بین‌المللی در واحدهای کوچک و متوسط نیازمند تعدیل هستند (سوال ۷)، موارد زیر را نشان می‌دهد:

۱. مجاز بودن ارائه برخی از جریان‌های نقدی بر مبنای خالص در صورت جریان‌های نقدی
۲. مجاز بودن به کارگیری روش سرمایه‌ای کردن برای مخارج توسعه
۳. شناسایی مخارج تحصیل ترکیب‌های تجاری به عنوان هزینه
۴. مجاز بودن به کارگیری روش سرمایه‌ای کردن برای مخارج تأمین مالی
۵. به کارگیری روش ارزش ویژه در سرمایه‌گذاری در واحد تجاری وابسته
۶. حذف قسمت مربوط به پرداخت‌های مبتنی بر سهام
۷. حذف قسمت مربوط به ابزارهای مالی پیچیده

در پاسخ به سوال به کارگیری استراتژی الزام یا اختیار (سوال ۸)، بر اساس نتیجه پژوهش، بهترین استراتژی، استراتژی اختیار است. در صورتی که واحد تجاری کوچک و متوسط بنا به هر دلیلی قصد به کارگیری استانداردهای با سطح افشائات بالاتر را داشته باشد، لزومی به الزام آن واحد جهت به کارگیری نسخه ساده‌تر، یعنی نسخه واحدهای کوچک و متوسط استانداردهای بین‌المللی نیست. همچنین در صورتی که ذی‌نفعان این واحدهای تجاری ارائه صورت‌های مالی بر اساس نسخه کامل استانداردهای بین‌المللی را

بخواهند، به‌کارگیری رویکرد اختیار موجب می‌شود که شرکت‌های کوچک و متوسط بر اساس اطلاعاتی که ذی‌نفعان می‌خواهند، یکی از این دو مجموعه استاندارد را انتخاب کند. نتایج این قسمت با نتایج تحقیق آلبو و همکاران (۲۰۱۳) مطابقت دارد.

به دلیل این‌که پایگاه داده‌ی در دسترس در ایران وجود ندارد که اطلاعات کلیه‌ی واحدهای کوچک و متوسط را داشته باشد، محدودیت این تحقیق در ارتباط با تعیین اعداد و مبالغ معیارهای کمی (تعداد کارکنان، دارایی‌ها و درآمد عملیاتی) در تعریف واحدهای تجاری کوچک و متوسط می‌باشد. برخی از سازمان‌های دولتی مثل سازمان امور مالیاتی اطلاعات این شرکت‌ها را دارند. در صورتی که این پایگاه داده در دسترس قرار گیرد می‌تواند، به عنوان یک موضوع پژوهشی آتی باشد. علاوه بر این در این پژوهش در قسمت بومی‌سازی استانداردها، صرفاً به بررسی الزامات شناخت و اندازه‌گیری پرداخته شد، پژوهش‌های دیگر می‌توانند الزامات افشاء این استانداردها را مورد بررسی قرار دهند. همچنین با توجه به تجدید نظرهای ادواری (دوره‌های ۵ ساله) این استانداردها، پیشنهاد می‌گردد که تحقیقات مروری در این حوزه نیز انجام گیرد. پیشنهاد اصلی تحقیق حاضر برای سازمان حسابرسی به عنوان متولی اصلی استاندارد‌گذاری در ایران است. با توجه به اهمیت واحدهای کوچک و متوسط در اقتصاد و نبود استانداردهای حسابداری مجزا برای این واحدهای تجاری متناسب با نیازهای اطلاعاتی ذی‌نفعان و ویژگی‌های آنها، لذا ضروری است که سازمان حسابرسی نسبت به تعریف پروژه تدوین این استانداردها اقدام کند. نتایج این تحقیق نیز می‌تواند در بومی‌سازی برخی از مفاد این استانداردها از جمله دامنه شمولیت موثر واقع شود.

### یادداشت‌ها

- |                            |                      |
|----------------------------|----------------------|
| 1. Kaya & Koch             | 2. IFRS for SMEs     |
| 3. Pelger                  | 4. Jonas & Young     |
| 5. Young                   | 6. Carsberg          |
| 7. Collis                  | 8. Sian & Roberts    |
| 9. Schutte Barker & Noonan | 10. Maingot & Zeghal |
| 11. Rennie & Senkow        | 12. Eierle & Haller  |
| 13. Dang-Duc               | 14. Di Pietra        |
| 15. Rennie & Senkow        | 16. Fresh start      |
| 17. Top-down               | 18. Bonito & Pais    |
| 19. Perera & Chand         | 20. Chand            |
| 21. Albu                   | 22. Uyar & Güngörmüş |
| 23. Ram & Newberry         | 24. Due process      |
| 25. Aboagye & Agbeibor     |                      |

## منابع

برزگر، قدرت اله. (۱۳۸۹). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی متفاوت برای شرکت‌های کوچک و متوسط. *دانش و پژوهش حسابداری*، ۶(۲۰)، ۳۵-۳۰.

بهمنش، محمدرضا؛ عباس‌زاده، محمدرضا؛ کاردان، بهزاد. (۱۴۰۱). نیازسنجی تدوین استانداردهای حسابداری برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط از دیدگاه اعتباردهندگان و تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی، *پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۳)، ۹۱-۱۲۲.

بهمنش، محمدرضا؛ عباس‌زاده، محمدرضا؛ کاردان، بهزاد. (۱۳۹۹). بررسی نیاز به تدوین استانداردهای حسابداری برای بنگاه‌های کوچک و متوسط از دیدگاه ممیزان مالیاتی و حساب‌رسان مستقل. *دانش حسابداری مالی*، ۷(۱)، ۷۳-۴۵.

خنیفر، حسین؛ مسلمی، ناهید. (۱۳۹۸). اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی. تهران: نگاه دانش.

دلاوری، جواد؛ مهدوی، غلامحسین (۱۳۹۸). نیازهای گزارشگری شرکت‌های کوچک: دیدگاه استادان حسابداری. *دانش حسابداری*، ۱۰(۳)، ۱-۳۲.

رحیمیان، نظام‌الدین؛ اسکندری، کیوان. (۱۳۹۱). استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی برای واحدهای تجاری کوچک و متوسط. *حسابدار رسمی*، ۳۲، ۶۴-۴۲.

صدیقی، روح‌اله؛ مرفوع، محمد؛ قاسمی، علی. (۱۳۹۸). تأثیر به کارگیری رویکرد ارزش منصفانه بر شاخص‌های عملکرد شرکت‌های سرمایه‌گذاری کوچک و متوسط، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۶(۶۴)، ۵۹-۸۰.

قنبریان، رضا. (۱۳۹۱). استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی بنگاه‌های کوچک و متوسط. *حسابدار*، ۲۴۹، ۳۹-۳۴.

کاشانی‌پور، محمد؛ مهربان‌پور، محمدرضا؛ سرلک، نرگس؛ پورموسی، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). بررسی ضرورت پذیرش و به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط در ایران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۳)، ۱۱۳-۱۳۸.

مصطفی‌زاده، آرمین. (۱۳۹۴). الگوی تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، *تحلیلی بر مفهوم و اهمیت تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط*. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/934616>.

Aboagye-Otchere, F., & Agbeibor, J. (2012). The international

- financial reporting standard for small and medium-sized entities (IFRS for SMEs): Suitability for small businesses in Ghana. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 10(2), 190-214.
- Albu, C.N., Albu, N., Fekete, P.P.S., Girbina, M.M., Selimoglu, S.K., Kovacs, D.M., Strouhal, J. (2013). Implementation of IFRS for SMEs in emerging economies: stakeholder perceptions in Czech Republic, Hungary, Romania and Turkey. *Journal of International Financial Management & Accounting*, 24(2), 140-175.
- Barker, P., & Noonan, C. (1996). Small company compliance with accounting standards: The Irish situation. Dublin, Ireland: Dublin City University. Retrieved from [http://doras.dcu.ie/2113/1/DCUBS\\_Research\\_Paper\\_Series\\_10.pdf](http://doras.dcu.ie/2113/1/DCUBS_Research_Paper_Series_10.pdf)
- Barzegar, Gh. (2010). Accounting standards and different financial reporting for SMEs. *Journal of Accounting Knowledge and Research*. 6 (20), 30-35. [In Persian].
- Behmanesh, M., AbbasZadeh, M., & Kardan, B. (2022). Needs assessment of accounting standards for small and medium-sized entities (SMEs) from the perspective of creditors and financial information providers. *Empirical Research in Accounting*, 12(43), 91-122. [In Persian].
- Behmanesh, M., AbbasZadeh, M., & Kardan, B. (2020). Reviewing the need for compilation of accounting standards for small and medium-sized entities from the perspective of tax auditors and independent auditors. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 7(1), 45-73. [In Persian].
- Bonito, A., & Pais, C. (2018). The macroeconomic determinants of the adoption of IFRS for SME. *Spanish Accounting Review*, 21(2), 116-127.
- Carsberg, B. V., Page, M. J., Sindall, A. J., & Waring, I. D. (1985). Small company financial reporting. London, England: Prentice-Hall International.
- Chand, P., Patel, A., & White, M. (2015). Adopting International Financial Reporting Standards for small and medium-sized enterprises. *Australian Accounting Review*, 25(2), 139-154.
- Collis, J., Jarvis, R., & Skerratt, L. (2017). The role and current status of IFRS in the completion of national accounting rules: Evidence from the UK. *Accounting in Europe*, 14(1-2), 235-247.
- Dang-Duc, S., Marriott, N., & Marriott, P. (2006). Users' perceptions and uses of financial reports of small and medium companies (SMCs) in transitional economies: qualitative evidence from Vietnam. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 3(3), 218-235.
- Delavari, S. J., Mahdavi, G. (2019). Requirements of small entities' financial reporting: The viewpoint of accounting professors.

- Journal of Accounting Knowledge*, 10 (3), 1-32. [In Persian].
- Di Pietra, R., Evans, L., Chevy, J., Cisi, M., Eierle, B., & Jarvis, R. (2008). Comment on the IASB's exposure draft 'IFRS for Small and Medium-Sized Entities'. *Accounting in Europe*, 5(1), 27-47.
- Eierle, B., & Haller, A. (2009). Does size influence the suitability of the IFRS for small and medium-sized entities? Empirical evidence from Germany. *Accounting in Europe*, 6(2), 195-230.
- Ghanbarian. R. (2012). Intenational Financial Reporting Standards for SMEs. *Journal of Accountant*, 249, 34-39. [In Persian].
- International Accounting Standards Board. (2021). IASB meeting about Subsidiaries that are SMEs. Retrieved from <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/subsidiaries-smes/#project-history>.
- International Accounting Standards Board. (2021). Exposure draft of a proposed subsidiary without public accountability: Disclosures. retrieved from <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/subsidiaries-smes/#project-history>.
- International Accounting Standards Board. (2019). IASB meeting about Subsidiaries that are SMEs. Retrieved from <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/subsidiaries-smes/#project-history>.
- International Accounting Standards Board. (2004). Discussion paper: Preliminary views on accounting standards for small and medium-sized entities. London, England: Author.
- International Accounting Standards Board. (2007). Exposure draft of a proposed IFRS for Small and Medium-sized Entities. London, England: Author.
- International Accounting Standards Board. (2009). International financial reporting standard for small and mediumsized entities London, England: Author.
- Kaya, D., & Koch, M. (2015). Countries' adoption of the International Financial Reporting Standard for Small and Medium-sized Entities (IFRS for SMEs) - early empirical evidence. *Accounting and Business Research*, 45(1), 93-120.
- Kashanipour, M., Mehrabanpour, M., Sarlak, N., & Pourmusa, A. (2021). Investigating the necessity of implementing and applying IFRS for small and medium enterprises in Iran. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 11(3), 113-138. [In Persian].
- Khanifar, H., & Moslemi, N. (2019). *Qualitative Research Methods*. Tehran: Negahedanesh.
- Maingot, M., & Zeghal, D. (2006). Financial reporting of small business entities in Canada. *Journal of Small Business Management*, 44(4), 513-530.
- Mostafazadeh, A. (2015). Small and medium enterprise financing model:

- An analysis of the concept and importance of financing small and medium enterprises. Islamic Parliament Research Center Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/934616>. [In Persian].
- Nezamodin, R., Skandari, K. (2012). International financial reporting standards for SMEs. *Journal of Certified Public Accountant*, 32, 42-64. [In Persian].
- Pacter, P. (2007). Fair value under IFRS: Issues for developing countries and SMEs. In P. Walton (Ed.), *The Routledge companion to fair value and financial reporting*. New York, NY: Routledge.
- Pelger, C. (2020). The Return of stewardship, reliability and prudence – A commentary on the IASB's new conceptual framework. *Accounting in Europe*, 17(1), 33–51.
- Perera, D. & Chand, P. (2015). Issues in the adoption of international financial reporting standards (IFRS) for small and medium-sized enterprises (SMES). *Advances in Accounting Incorporating Advances in International Accounting*, (31): 165–178.
- Ram, R., Newberry, S. (2013). IFRS for SMEs: The IASB's due process. *Australian Accounting Review*, 23(1), 3-17.
- Rennie, M. D., & Senkow, D. W. (2009). Financial reporting for private companies: The Canadian experience. *Accounting Perspectives*, 8(1), 43-68.
- Schutte, D., & Buys, P. (2011). A critical analysis of the contents of the IFRS for SMEs - A South African perspective. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 14(2), 188-209.
- Sedighi, R., Marfou, M & Ghasemi, A. (2019). The Effect of fair value approach on performance indicators of small and medium sized investment companies. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 16(64), 59-80. [In Persian].
- Sian, S., & Roberts, C. (2009). UK small owner-managed businesses: Accounting and financial reporting needs. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 16(2), 289-305.
- Uyar, A., & Güngörmüş, A. H. (2013). Perceptions and knowledge of accounting professionals on IFRS for SMEs: Evidence from Turkey. *Research in Accounting Regulation*, 25(1), 77-87.